



مقالات



شاه و رژیم صهیونیستی اندیشه و انگیزه آفرینندگان «اسرائیل»

دکتر سید حمید روحانی

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی پسر مریم از آن رولعنت شدند که نافرمانی (خدا) نموده و (از حکم حق) سرکشی می کردند. (مائده، آیه ۷۸)
پیش از نگرش به همکاریهای شاه و رژیم صهیونیستی و مبارزات امام با آن، بایسته است چند موضوع مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد:

۱. پیشینه سیاه تاریخی قوم بنی اسرائیل
۲. انگیزه صهیونیست‌ها از رو آوردن به سرزمین فلسطین
۳. نقشه و اندیشه استعمارگران از کوچ دادن یهودیان به فلسطین
۴. شیوه‌ها و شگردها در راه برپایی دولت صهیونیستی و نگهداری آن



۱. پیشینه سیاه تاریخی قوم بنی اسرائیل^۱

شاید در قرآن کریم هیچ جمعیتی به اندازه قوم یهود و بنی اسرائیل مورد نکوهش و سرزنش قرار نگرفته باشند. قرآن در سوره‌های مختلف و آیات متعدد کارنامه سیاه بنی اسرائیل را برای ابنای بشر بیان کرده است. تنها در سوره نساء از آیه ۱۵۲ تا ۱۶۱ حدود ده آیه پیرامون خیانت‌ها، جنایت‌ها، پیمان شکنی‌ها، پیغمبر کشی‌ها، رباخواری‌ها، مال مردم خوری‌ها، بهتان زدن‌ها و دیگر جنایات قوم یهود و در آیه ۷۴ سوره بقره از سنگدلی و بی‌رحمی این قوم سخن رفته است.

یهودی‌ها به سبب جنایت‌ها، شرارت‌ها، فتنه‌گری‌ها و اندیشه‌های سوئی که دارند، همان‌طور که قرآن پیش‌بینی کرده است که ضربت علیهم الذله والمسکنة...^۲ در طول تاریخ همیشه آواره و سرگردان، بدبخت، روسیاه و توسری‌خور بوده و آلت دست زورمداران قرار گرفته‌اند.

به رغم این که ایرانیان به آوارگان یهودی در دوران حکومت خشایارشا پناه داده بودند ولی آنها جنایت پیشه کردند و به بهانه یهودستیزی هامان، وزیر خشایارشا، به میزبانان خود رحم نکردند و در شهرهای ایران حمام خون راه انداختند. در کتاب استر که بخشی از مجموعه عهد عتیق است، یهودیان اقرار می‌کنند در روز ۱۳ ماه آذار یهودی، بیش از ۷۵۰۰۰ نفر از مردم ایران را گردن زدند و روز چهاردهم این ماه را جشن گرفته و پایکوبی (جشن پوریم) کردند.^۳ این جنایات در طول تاریخ تا به امروز به بهانه‌های مختلف ادامه داشته است.

دیو کاسیوس (۱۵۵-۲۲۹ میلادی) مورخ رومی در کتاب تاریخ روم، بخش ۷۸ فصل ۳۲ ذیل حوادث سال ۱۱۷ م می‌نویسد: یهود در (Cyene) کناره دریای طرابلس غرب، به رهبری اندریا برای کشتن رومی‌ها و یونانی‌ها خروح کرده و همه را از دم تیغ گذراندند سپس خون‌هایشان آشامیده و گوشت‌هایشان را خوردند، سرها و استخوان‌ها را هم قطعه قطعه کرده و به سگ‌ها دادند. خیلی‌ها را هم مجبور کردند که یکدیگر را چون حیوانات بکشند. تعداد کسانی که در این فاجعه به قتل رسیدند به دویست و بیست هزار (۲۲۰۰۰۰) نفر رسید.



۱. یهودیانی که مورد سخن ما هستند و مورد نکوهش و مذمت قرار دارند، آنهایی نیستند که به کیش حضرت موسی (ع) اعتقاد دارند بلکه آن جنایتکاران و شرورهایی هستند که به نام آیین کلیمی یک سلسله نقشه‌ها، توطئه‌ها و جنایت‌هایی را در طول تاریخ در سر داشته و دارند.

۲. سوره بقره، آیه ۶۱.

۳. کتاب استر، روایت ۱ تا ۱۹، به نقل از کتاب‌هایی از عهد عتیق، کتاب‌های قانونی ثانی، بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران، نی، ۱۳۸۲، چاپ دوم، ص ۱۷۴-۱۷۲.

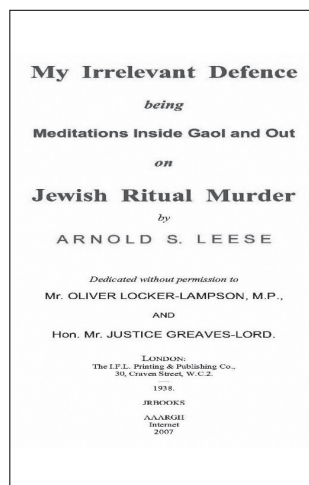
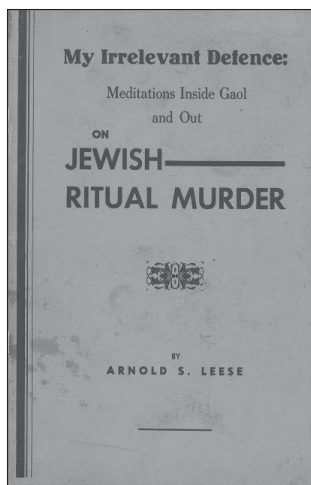
This webpage reproduces a
Book of
Roman History
by
Cassius Dio
published in Vol. IX
of the Loeb Classical Library
edition, 1927
The text is in the public
domain.
This text has not yet been
proofread.
If you find a mistake though,
please let me know!

previous : next:

[Book LXXVII](#) [Book LXXIX](#)

آرنولد لیز در سال ۱۹۳۸م در کتاب خود به نام *دفاع بی‌ربط* که مربوط به وحشی‌گری‌های یهودیان در قتل‌های آیینی است، می‌نویسد: یهودیان همین کشتار را نیز در مصر و قبرس به رهبری Artemion تکرار کردند و در آن بیش از ۲۴۰۰۰۰ نفر به قتل رسیدند و در سافیل واقع در اسپانیا یکصد و سی و هشت مسیحی را به یکی از مقابر دور از شهر برده و آنها را مجروح کردند، سپس همه را زنده دفن کردند، به طوری که دست‌هایشان به روی زمین ظاهر بود.^۱



1. Arnold s. leese-CHAPTER VI-p9

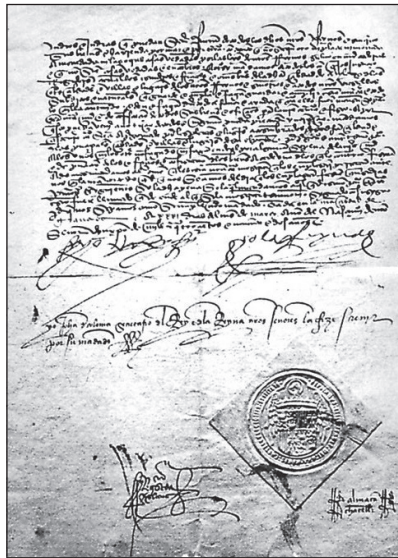


شاید اگر تاریخ جنایات صهیونیست‌ها پس از اشغال فلسطین و قتل عام مردم این سرزمین در هفتاد سال گذشته مشهود نبود، باور کردن جنایات این قوم وحشی، خونخوار و سنگدل در تاریخ گذشته کمی با تردید روبه‌رو می‌شد اما کودک‌کشی‌ها، قتل عام زنان و نسل‌کشی‌های وحشت‌انگیز یهودیان صهیونیست پس از قیام طوفان الاقصی مردم فلسطین علیه صهیونیست‌ها برای بازپس‌گیری سرزمین اشغال‌شده خود، نشان داد آنچه درباره این قوم در تاریخ گفته شده است، دور از واقعیت نبوده است.

در سال ۱۲۹۰م، ادوارد اول پادشاه انگلستان، فرمانی مبنی بر اخراج تمامی یهودیان از انگلستان صادر کرد. این فرمان در تمامی دوران قرون وسطی، حدود ۴۰۰ سال پابرجا بود. در سال ۱۶۵۶ این فرمان ظاهراً توسط اولیور کرامول ملغی گشت. دلیل صدور این فرمان به سابقه ۲۰۰ ساله یهودیان در فساد مالی و رباخواری در انگلستان باز می‌گردد. در سال ۱۲۷۸م، اغلب یهودیان انگلستان به اتهام ضرب سکه تقلبی دستگیر شدند و در نهایت از انگلیس اخراج شدند.^۱

در فرانسه مردم بارها به علت جنایات و خیانت‌هایی که یهودی‌ها داشتند آنان را از فرانسه بیرون ریختند؛ به طوری که در سال ۱۳۹۴ میلادی یک نفر یهودی در فرانسه پیدا نمی‌شد.^۲

در ۳۱ مارس ۱۴۹۲ فرناندوی دوم پادشاه آراگون و ایزابل اول ملکه کاستیا ملقب به فرمانروایان کاتولیک اسپانیا فرمانی صادر کردند که به فرمان الحمرا مشهور شد. به موجب این فرمان یهودیان باید خاک پادشاهی اسپانیا و مناطق تابعه آن را تا ۳۱ ژوئیه همان سال ترک کنند. در تاریخ آمده است بیش از ۵۰۰۰۰۰ یهودی خاک اسپانیا را ترک کردند.^۳ این فرمان تا ۱۹۶۸ پابرجا بود و پس از برگزاری



فرمان مشهور به فرمان الحمرا

۱. محمد حسن وزیري کرمانی، اسرائیل فاشیسم جدید، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان.

شاید اگر تاریخ جنایات صهیونیست‌ها پس از اشغال فلسطین و قتل عام مردم این سرزمین در هفتاد سال گذشته مشهود نبود، باور کردن جنایات این قوم وحشی، خونخوار و سنگدل در تاریخ گذشته کمی با تردید روبه‌رو می‌شد اما کودک‌کشی‌ها، قتل عام زنان و نسل‌کشی‌های وحشت‌انگیز یهودیان صهیونیست پس از قیام طوفان‌الاقصی مردم فلسطین علیه صهیونیست‌ها برای بازپس‌گیری سرزمین اشغال‌شده خود، نشان داد آنچه درباره این قوم در تاریخ گفته شده است، دور از واقعیت نبوده است

دومین شورای واتیکان به طور رسمی در ۱۶ دسامبر همان سال ملغی گردید.

در ایتالیا، شوروی، لهستان، مجارستان، سوئد و کشورهای دیگر هم سالیان درازی ورود یهودی‌ها ممنوع بود.

در آلمان پس از آن که چندین بار یهودی‌ها را اخراج کردند، آخرین بار همچنان که اطلاع دارید هیتلر به سرکوب آنها پرداخت.

ویژگی‌های صهیونیست‌ها

این جنایتکاران دارای ویژگی‌ها و

خصوصیاتی هستند که با شناخت آن خصوصیت‌ها می‌توان تفاوت آنان با یهودی‌های باورمند را به خوبی دریافت:

- خودشان را برگزیده خدای دانند و معتقدند میان آنان و دیگر بندگان خدا تفاوت‌هایی وجود دارد و خلاصه آنها تافته جدا بافته‌ای هستند.
- همیشه نقشه اسارت، ذلت و بردگی همه انسان‌ها را در سر می‌پرورانند. آنها معتقدند دنیا برای خودشان فقط آفریده شده است و دیگر انسان‌ها اعم از مسیحی، مسلمان و پیروان ادیان دیگر باید باربر، برده و خدمتگزار آنان باشند.
- نقشه استیلا و سلطه بر سرزمین‌هایی را که هزاران سال پیش مثلاً یهودی‌ها در آن سرزمین می‌زیسته‌اند در سر دارند و آن سرزمین‌ها را از آن خود می‌دانند. از این‌رو، شعارشان سلطه بر نیل تا فرات، از بحر تا نهر و از وادی صهیون تا جولانگاه استر در قلب مرکزی فلات ایران است که روز و روزگاری یهودی‌ها به این سرزمین‌ها مهاجرت و مدتی در آن زندگی کرده‌اند.
- نقشه تشکیل دولت جهانی یهود را دنبال می‌کنند.
- خونریزی، آتش‌افروزی، فتنه‌گری، غارتگری و فساد در زمین از دیگر ویژگی‌های آنان است که قرآن نیز با اشاره به همین ویژگی آنان می‌فرماید: کَلِمَا أَوْقَدُوا نَارَ الْلَّحْرِبِ أَطْفَالَهَا اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا^۱.
- این باند که مورد شماتت قرآن هستند و اکنون ما از آنان سخن می‌گوییم، در اصطلاح روز

۱. سوره مائده، آیه ۶۴.



«صهیونیسم» خوانده می‌شوند. قرآن نیز این استثنا را مدنظر دارد، آنجا که در سوره نساء پس از بازگو کردن پرونده‌های سیاه یهود و برشمردن خیانت‌های آنان از آیه شریفه ۱۵۲ تا ۱۶۱ می‌فرماید: لکن الراسخون فی العلم منهم... که در آیه ۱۶۲ شماری را استثنا می‌کند. اگر هزار و چندی سال پیش قرآن ویژگی‌های شیطانی این قوم را به اقوام دیگر هشدار داد امروز بر اغلب ملت‌های دیگر اثبات شده است که زندگی در صلح و آرامش و امنیت در جوار این قوم وحشی به سختی امکان‌پذیر است. به همین اعتبار ملت‌های دیگر در اروپا و آسیا و آفریقا اینها را از سرزمین خود می‌رانند چون این قوم لیاقت زندگی با اقوام دیگر را نداشت. «صهیون» کوهی است در فلسطین و در تورات تحریف شده خطاب به قوم یهود آمده است: «شما پس از درنگی که در این کوه دارید سرازیر شوید به سوی سرزمین‌هایی که در اطراف این کوه است و آن سرزمین‌ها را از آن خود سازید که به شما وعده داده شده است» و به همین مناسبت به آنان صهیونیسم گفته شده است.

صهیونیست‌ها تنها نقشه استیلا و سیطره بر مسلمان‌ها را ندارند بلکه یهودی‌های مستضعف و غیر صهیونیسم نیز همیشه قربانی خیانت‌ها و برتری‌جویی‌های صهیونیست‌ها بوده و هستند.

در دوران حاکمیت هیتلر، سران صهیونیسم از نزدیک با هیتلر و آدلف اتو آیشمن مسئول اداره امور یهودیان در اداره اصلی امنیت رایش، وابسته به حزب نازی، همکاری تنگاتنگی برای کوبیدن و از بین بردن یهودی‌ها داشتند و با آیشمن قرار گذاشتند چهل هزار یهودی فقیر مفلوک را از اطراف و اکناف آلمان گرد آورده به او تسلیم کنند و در برابر، او به سران صهیونیسم اجازه دهد که همراه با دیگر صهیونیست‌ها از آلمان خارج شوند. در رأس این جنایت حیمم و ایزمن بود که بعدها نخستین رئیس‌جمهور فلسطین اشغالی شد. صهیونیست‌ها چون روحیه فتنه‌گری، آتش‌افروزی و سلطه‌جویی دارند همیشه آلت دست قدرت‌های بزرگ بوده‌اند و بسیاری از جنایات ابر قدرت‌های جهان‌خوار به دست صهیونیست‌ها پیاده شده است. نمونه این آلت دست شدن را در مورد فلسطین می‌بینیم.

۲. انگیزه صهیونیست‌ها از آوردن به سرزمین فلسطین

صهیونیست‌ها در فلسطین به دنبال چه اهداف و آمالی هستند؟ صهیونیست‌ها که پیوسته در اندیشه چنگ انداختن بر منابع اقتصادی و انرژی‌زای جهان‌اند، چگونه به زیستن در دیار تهی از انرژی فلسطین که حد و مرز جغرافیایی آن از برخی شهرها و روستاهای ایران مانند ساوه و گناوه کمتر است،^۱ تن در داده و همه نیرو و توان خود را در راه برپایی دولت

۱. فلسطین دارای وسعتی بالغ بر ۲۷ هزار کیلومتر مربع است و از طرف شمال به سوریه و لبنان و از مشرق به اردن و از جنوب به مصر و از مغرب به دریای مدیترانه محدود است.

صهیونیست‌ها اگر اندیشه و انگیزه مادی و اقتصادی در سر نداشته باشند، نه به «ارض موعود» بها می‌دهند و نه به نوید آن باور دارند و اصولاً صهیونیست‌ها به هیچ دینی - حتی دین یهود - پای بند نیستند و ادیان را به کلی خرافی، پنداربافی و موهوم می‌دانند و یکی از هدف‌های آنان دین‌زدایی است

صهیونیستی در آن سرزمین به کار گرفته‌اند؟ و در این راه قربانی‌ها داده، خون‌ها ریخته و کشتارها کرده‌اند؟

مسئله «ارض موعود» و اینکه یهودیان بر اساس وعده تورات به سرزمین فلسطین دلبستگی و وابستگی داشته و دارند و روی امید به این نوید رهسپار آن دیار شده‌اند و... دستاویزی بیش نیست و نمی‌تواند انگیزه اصلی و «علت محدثه» باشد. صهیونیست‌ها اگر اندیشه و انگیزه مادی و

اقتصادی در سر نداشته باشند، نه به «ارض موعود» بها می‌دهند و نه به نوید آن باور دارند و اصولاً صهیونیست‌ها به هیچ دینی - حتی دین یهود - پای بند نیستند و ادیان را به کلی خرافی، پنداربافی و موهوم می‌دانند و یکی از هدف‌های آنان دین‌زدایی است.

«ارض موعود» و نوید آن برای فریب افکار عمومی و پدید آوردن گرایبی در میان یهودیان عامی و کشاندن آنان به آن سرزمین دستاویز پرمایه‌ای است، لیکن نمی‌توان باور کرد که صدها کارشناس زبردست، مستشاران نظامی و متخصصان اقتصادی یهود از کشورهای پیشرفته جهان، از زندگی آرام، ایده‌آل و بی‌دغدغه خود دست کشیده و به فلسطین شتافته‌اند تا در پای دیوار ندبه^۱ به گریه و زاری بایستند و وعده تورات را در ارض موعود تحقق بخشند!!

اگر «ارض موعود» انگیزه اصلی و ریشه‌ای رو آوردن به فلسطین و اشغال آن است، باید دید شعار «اسرائیل بزرگ» و آرمان برپایی «حکومت از نیل تا فرات» چه جایی دارد؟ و فرضاً اگر فلسطینی‌ها از میهن خود به کلی دست بکشند و آن سرزمین را در بستان به صهیونیست‌ها واگذار کنند، لیکن از دست‌اندازیشان بر منابع نفتی و ذخایر گرانبهای منطقه پیشگیری شود یا اینکه اصولاً منابع انرژی‌زای منطقه به پایان برسد و بوی نفت به مشام آنان نرسد، آیا در آن صورت نیز در چهار دیواری فلسطین به زندگی ادامه می‌دهند و خاک آن را به عنوان «ارض موعود» مقدس می‌شمارند؟ در این نکته تردیدی نیست که از دید صهیونیست‌ها «ارض موعود» آنجاست که روی دریایی از طلای سیاه و زرد شناور باشد و فردا اگر نفت و دیگر نیروهای انرژی‌زا و اصولاً منابع زیرزمینی و ذخایر گرانبهای منطقه آسیای غربی به پایان رسید و در برابر در منطقه دیگر جهان منابعی سرشار از نفت و طلا و... کشف شد، بی‌درنگ

۱. دیوار غربی حیاط بیت‌المقدس، نزد یهودیان به دیوار ندبه معروف است. آنها در روزهای معینی پای این دیوار گرد می‌آیند و به گریه و زاری می‌پردازند.





صهیونیست‌ها از تورات ساخته و پرداخته دست خود، آیاتی می‌تراشند که «ارض موعود» در آن منطقه دارند و باید به آن سرزمین مقدس مهاجرت کنند!

صهیونیست‌ها از آن روز که به منابع زرخیز آسیای غربی پی بردند، به یاد «ارض موعود» افتادند و بر آن شدند با همدستی و همراهی دولت‌های مقتدر، این نقشه خود را جامه عمل بپوشانند و در کنار چاه‌های نفت مأوا گزینند و به آزمندی‌ها و زراندوزی‌های خود رنگ دینی دهند و با شعار بازگشت به «ارض موعود» بر سرزمین‌های اسلامی چنگ اندازند و با هر مکتب، مرام و اندیشه‌ای که با آز و نیاز مادی آنان ناسازگاری داشته باشد به نبرد برخیزند و آن را از سر راه آز و نیاز خود کنار بزنند.

صهیونیست‌ها در راه چیرگی بر منابع زرخیز کشورهای اسلامی تا آن پایه آزمند و بی‌قرارند که در درازای تاریخ در هر مقطع و برهه‌ای که زورمداران خون‌آشامی آهنگ غرب آسیا کردند و در راه چیرگی بر سرزمین‌های اسلامی به جنگ و خونریزی دست زدند، صهیونیست‌ها را می‌بینیم که در کنارشان ایستاده و آتش‌بیار معرکه بودند و چه بسا نقش ریشه‌ای در جنگ‌های خانمان‌سوز داشتند و دارند.

صهیونیست‌ها پیوسته بر آن‌اند که با زورمداران و ابرقدرت‌ها بسازند و بر ملت‌های ناتوان و مستضعف بتازند و بدین‌گونه با همدستی ابرقدرت‌ها منابع سرشار و زرخیز ملت‌ها را غارت کنند و بر ثروت و قدرت خود بیفزایند. آنها با این استراتژی خود توانسته‌اند نقش بسزایی در رویدادهای گوناگون، در عرصه بین‌المللی داشته باشند و نقشه‌ها و نیرنگ‌های خود را در کنار زورمداران و جهانخواران به پیش ببرند.

در حمله مغول به کشورهای اسلامی، یهودیان با آنان همکاری داشتند و از اروپا برای آنان اسلحه تهیه می‌کردند، سلاح‌های قاچاق را در صندوق‌های شراب جامی دادند و به مغولان می‌رسانیدند.^۱

در دوران سلطنت ارغون‌شاه، سعدالدوله یهودی (پزشک مخصوص نامبرده) آنگاه که به مقام وزارت و سرپرستی «دیوان ممالک» منصوب شد (۸-۶۸۷ ه.ق) از فرصت بهره‌گرفت و بر آن شد در نخستین گام ارغون‌شاه را بر ضد اسلام و کشورهای اسلامی بشوراند و در راه سلطه بر سرزمین‌های اسلامی او را به جنگ و خونریزی وادارد. از این رو، به او پیشنهاد داد تا خانه کعبه را به بتخانه بدل کند و در برابر اسلام دین تازه‌ای ابداع کند. او تلاش فراوانی کرد تا ارغون‌شاه را به اتحاد با اروپایی‌ها - به ویژه صلیبیون - وادارد و با کمک او بیت المقدس را از

۱. جان جوزف ساندروز، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵.

دست مسلمانان بیرون آورد و به صلیبیون - که نمی توانستند بر آن چیره شوند - تسلیم کند.^۱ با نگاهی به پیشینه و کارکرد صهیونیست‌ها در درازای تاریخ می توان اهداف و انگیزه آنان را در یورش به فلسطین و برپایی دولت صهیونیستی در آن سرزمین چنین برشمرد:

الف. دستیابی بر منابع سرشار و درآمدزای غرب آسیا، به ویژه نفت از راه سلطه بر نیل تا فرات^۲

ب. پیشبرد نقشه‌ها و توطئه‌های اسلام‌زدایی

صهیونیست‌ها اسلام را بزرگترین و استوارترین سد در برابر منافع و مقاصد خود می بینند و به این واقعیت به درستی پی برده‌اند که با پیروی توده‌ها از اسلام ناب محمدی (ص) چیرگی بر مناطق نفت خیز خاورمیانه و غارت سرمایه‌های این کشورها با دغدغه‌ها، دردها و آسیب‌های گوناگونی همراه است و چه بسا با خیزش‌های اسلامی دست آنان به کلی از سرمایه‌های گرانبار کشورهای اسلامی کوتاه شود. از این رو، پیوسته بر آن‌اند که با شیوه‌ها و شگردهای رنگارنگ و با به نمایش درآوردن مکتب‌ها و ایسم‌های وارداتی و اشکال تراشی‌ها و سفسطه‌های گوناگون ایمان توده‌های باورمند به اسلام را سست کنند و بی بندوباری، اباحی‌گری و سرانجام اندیشه‌های سکولاریزم را در میان جامعه اسلامی رواج دهند. آنها بر این باورند با پدید آوردن دولتی صهیونیستی و ضد اسلامی در منطقه بهتر می توانند به این توطئه جامه عمل بپوشانند.^۳

پ. رویارویی با اتحاد ملت‌ها و پیشگیری از استقرار دولت‌های مردمی

صهیونیست‌ها به درستی دریافته‌اند که ملت‌های یک‌دست و متحد و دولت‌های مردمی که روی پای خود بایستند و از استقلال کامل برخوردار باشند، بزرگترین خطر برای آزمندان، فزون‌خواهان و تجاوزگران به حقوق توده‌ها می باشند و اگر در مناطق نفت خیز آسیای غربی دولت‌های مردمی، وارسته و آزادخواه بر سر کار بیایند، راه‌رنه و فتنه را بر روی غارتگران و مفتخواران می بندند و دست آنان را از سر نوشت ملت‌ها و کشورهای اسلامی کوتاه می کنند. از این رو، بر آن شدند با حضور فیزیکی خود در منطقه و برپایی دولتی به نام «اسرائیل» در گام نخست از اتحاد و انسجام ملت‌های مسلمان و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی پیشگیری

۱. حبیب‌الله شاملویی، تاریخ ایران از ماد تا پهلوی، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۴۷، ص ۵۰۵.

۲. «نیل تا فرات» از صحرای سینا، دلتای نیل (کانال سوئز) در مصر آغاز می شود، نواحی اردن، سوریه، لبنان و عربستان را در بر می گیرد و تا دجله و فرات در عراق کشیده می شود.

۳. صهیونیست‌ها در راه پیشبرد توطئه اسلام‌زدایی تا آن پایه حرص و آز داشتند که با همدستی فرامسون‌ها با آلت دست قرار دادن سید علی محمد باب، دینی در برابر اسلام پدید آوردند و برای رونق بخشیدن به آن شماری از یهودیان را بر آن داشتند که این دین ساختگی را بپذیرند و به بابی شدن تظاهر کنند! تا از این راه بتوانند بر اسلام آسیب وارد سازند.





کنند و راه ترقی، پیشرفت و سازندگی را بر روی آنان ببندند و با همدستی دولت‌های وابسته، سرسپرده و ناتوان منطقه، ملت‌های مسلمان را با درماندگی، عقب‌ماندگی، نابسامانی، فقر و جهل و نادانی دست به گریبان سازند و اگر در برهه‌ای کنترل از دست آنان بیرون رفت و دولتی مردمی، آزادیخواه، آراسته و وارسته در یک کشور اسلامی به قدرت رسید، از نزدیک بتوانند در راه واژگونی آن دولت فعالیت کنند و با پدید آوردن اختلاف‌های داخلی، جوسازی‌ها، شایعه‌پراکنی‌ها، فتنه‌گری‌ها و آتش‌افروزی‌های خود یا آن دولت را در برابر جهانخواران و فزونخواهان به سازش و کرنش وادارند یا به سقوط بکشانند.

ت. به خدمت گرفتن یهودیان با شعار «ارض موعود»

صهیونیست‌ها برای پیشبرد اغراض و امیال خود در جهان و رویارویی با نیروهای مردمی و آزادیخواه به یاری و همراهی یهودیان نیازی مبرم دارند و دریافته‌اند که بهترین شگرد برای به خدمت گرفتن یهودیان و کشاندن آنان به رویارویی با مسلمانان این است که فلسطین را برای مردم یهودی مقدس بنمایانند و بازگشت به آن سرزمین را از آرمان‌های دینی و بر اساس فرمان خدای یهود و کتاب مقدس وانمود کنند و بدین گونه نه تنها یهودیان را از سراسر جهان به آن سرزمین بکشانند، بلکه از باورهای دینی یهود در راه واداشتن آنان به فداکاری و جانفشانی برای صهیونیست‌ها بهره‌برداری کنند. از این رو، داستان‌های گوناگون ساختند و آیتی از کتاب‌های تحریف‌شده یهودیان بیرون کشیدند که یهودیان را به «ارض موعود» فرامی‌خواند!

ث. انگیختن خوی نژادپرستی

صهیونیست‌ها برای وادار کردن یهودیان به همکاری و همراهی با سیاست‌های جنگ‌طلبانه و تجاوزگرانه خود، کوشیدند به اندیشه‌های نژادپرستانه و خودبرتربینی در میان آنان دامن بزنند و با شعارهای «یهود نژاد برتر است»، «یهود برگزیده خداست»، «تفاوت یهودیان با دیگر انسان‌ها، مانند تفاوت آدم و حیوان و انسان و سگ است!» و... و نیز با طرح اندیشه «دولت جهانی یهود» و... یهودیان را به دشمنی با دیگران - به ویژه با مسلمانان - وادارند و زمینه را برای اشغال سرزمین فلسطین آماده سازند.

این نکته در خور یادآوری است که برخی از مقامات و سردمداران یهود، پیش از آن که نقشه و انگیزه دست‌اندازی بر منابع زرخیز خاورمیانه را دنبال کنند، سالیان درازی در اندیشه پدید آوردن یک کشور مستقل برای یهودیان بودند تا آنان را از شرایط ناهنجاری که در کشورهای گوناگون داشتند رهایی بخشند. آنها از دولت‌های مقتدر می‌خواستند که در یک گوشه جهان، وطنی برای آنان در نظر بگیرند.

از نخستین مقامات یهودی که اندیشه کشوری مستقل برای یهودیان را مطرح کرد «مردخای ایمانوئل» سر کنسول امریکا در الجزیره بود. او جزیره‌ای را در کنار آبشار نیاگارا در اختیار گرفت و بر آن شد در آن محل یک دولت یهود تشکیل دهد و طی اعلامیه‌ای یهودیان جهان را به مهاجرت به آن جزیره فراخواند، لیکن این پیشنهاد او با استقبال روبه‌رو نشد. برخی از سردمداران یهودی بر آن شدند در آرژانتین، کنیا و... محلی برای اسکان دسته‌جمعی یهودیان بیابند و پیشنهاداتی را نیز دادند لیکن با بازتاب مثبت یهودیان روبه‌رو نشد. یهودیان این‌گونه طرح‌ها را نوعی تبعید دسته‌جمعی می‌پنداشتند و از آن دوری می‌گزیدند. اینجا بود که سردمداران یهودی دریافتند که برای گردآوری یهودیان در یک سرزمین و پدید آوردن یک دولت یهودی بایستی از ایدئولوژی بهره‌گیرند. از این‌رو، آنگاه که بوی نفت آسیای غربی مشام آژمندان یهود را نوازش داد یکباره دریافتند که طبق وعده تورات و نوید پیامبران یهود، فلسطین «ارض موعود است» و یهودیان وظیفه‌مندند که به آن سرزمین مقدس برگردند! و با این انگیزه حرکت «صهیونیزم» را پایه‌گذاری کردند.

حرکت «صهیونیزم» در سال ۱۸۸۲م در اروپای شرقی پایه‌گذاری شد. یکی از رهبران یهودی به نام «دکتر لئون پینسکر» طی اطلاعیه‌ای نگاشت:

... یهودیان نباید انتظار روزی را بکشند که دیگران به آنها آزادی و تساوی حقوق عطا نمایند بلکه باید سرنوشت خویش را شخصاً به دست گرفته و خود را نجات دهند. بیگانگان شدیداً از ما منجرند و تنها راه درمان این بیماری که «عداوت» نام دارد تمرکز و اجتماع ما در سرزمین خود و به نام ملت واحد است. برای نیل به این منظور عموم طبقات ملت یهود باید دست به دست هم بدهند...

این اطلاعیه به دنبال کشتار یهودیان در سال ۱۸۸۱ در بسیاری از شهرهای روسیه آن روز مانند اودسا و اوکراین، صادر شد. پینسکر این کشتار را بر پایه «عداوت بیگانگان» نسبت به یهودیان وانمود می‌کند، لیکن واقعیت این است که این آزمندی و خودبرتربینی و خیانت یهودیان بود که دیگران را به ستوه می‌آورد و به اعتراف خود پینسکر حتی قشرهای تحصیل کرده و روشنفکر و عناصر دانشگاهی را نیز به شرکت در سرکوب یهودیان وامی‌داشت. ژرفای خودبرتربینی یهودیان تا آنجاست که دکتر پینسکر در اطلاعیه خود، مردم غیر یهودی را رسماً «بیگانگان» می‌خواند! و در آن اوضاع و شرایطی که یهودیان زیر فشار قرار دارند، از نیش و ناسزا به غیر یهودیان خودداری نمی‌کند.

دکتر پینسکر به دنبال این اطلاعیه، سازمانی به نام «حووه صیون» (دوستان صیون)



صهیونیست‌ها از آن روز که به منابع زرخیز آسیای غربی پی بردند، به یاد «ارض موعود» افتادند و بر آن شدند با همدستی و همراهی دولت‌های مقتدر، این نقشه خود را جامه عمل بپوشانند و در کنار چاه‌های نفت مأوا گزینند و به آزمندی‌ها و زراندوزی‌های خود رنگ دینی دهند و با شعار بازگشت به «ارض موعود» بر سرزمین‌های اسلامی چنگ اندازند و با هر مکتب، مرام و اندیشه‌ای که با آرزو و نیاز مادی آنان ناسازگاری داشته باشد به نبرد برخیزند

را در خاک روسیه پایه‌گذاری کرد و در سال ۱۸۸۴ رهبری این سازمان را خود بر عهده گرفت و فعالیت این سازمان را به منظور کوچ دادن یهودیان به سرزمین فلسطین شدت بخشید. بدین ترتیب شماری از یهودیان اروپای شرقی طبق برنامه‌ای که جمعیت «دوستانان صیون» برایشان می‌ریختند رهسپار فلسطین شدند و به خرید زمین و باغ دست زدند و به کشاورزی پرداختند.

دیری نپایید که اندیشه بازگشت به فلسطین در میان یهودیان اروپای غربی نیز اوج گرفت و در پی گذشت بیش از یک دهه از اعلامیه پینسکر، بنیامین هر تزل نیز در سال ۱۸۹۵ در کتابی به نام دولت یهود طرح اشغال فلسطین را مطرح کرد و روی آن پای فشرده. این موضع‌گیری او در پی سرکوب یهودیان در فرانسه صورت گرفت. فرانسوی‌ها آنگاه که دریافتند نقشه‌های سری آنان به وسیله یهودیان به دست آلمانی‌ها افتاده است، سخت به خشم آمدند و به سرکوب و راندن یهودیان دست زدند و سروان دریفوس را که تنها افسر یهودی در ارتش فرانسه بود، به اتهام جاسوسی و تسلیم نقشه به آلمانی‌ها، به محاکمه کشیدند و پس از محاکمه در دادگاه نظامی وی را به زندان «جزیره شیطان» در امریکای جنوبی فرستادند. هر تزل در کتاب خود، «عذاب دادن به یهودیان» را زائیده پراکندگی و نداشتن کشور مستقل آنان می‌نماید. او به دنبال پخش کتابش و به راه انداختن تبلیغات گسترده‌ای در راه لزوم بازگشت یهودیان به فلسطین، سرانجام در سال ۱۸۹۷ سران و نمایندگان یهود را به گردهمایی در «کنگره صهیونیزم» در شهر بال سوویس فراخواند. در این گردهمایی که نخستین کنگره نمایندگان عموم یهودیان به شمار می‌آمد، سازمان جهانی صهیونیزم (WZO) رسماً پایه‌گذاری شد و برنامه تشکیلات صهیونیزم به صورت زیر به تصویب رسید:

- سکونت دادن یهودیان در سرزمین فلسطین و واداشتن آنها به کار زراعتی و صنعتی
- متشکل نمودن ملت به وسیله فعالیت مؤسسات محلی یا عمومی
- تقویت حس آشنایی و ملی
- انجام فعالیت سیاسی برای جلب موافقت ملل بزرگ

تشکیلات صهیونیسم به سه شاخه «صهیونیسم سرمایه‌داری»، «صهیونیسم مذهبی» و «صهیونیسم کارگری» تقسیم شد و در راه فراهم کردن زمینه برای تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین هر یک از شاخه‌های سه‌گانه، مسئولیت ویژه‌ای بر عهده گرفت. «صهیونیسم مذهبی» مأموریت داشت که به توده‌های یهود بیاورد که مهاجرت به فلسطین، بازگشت به «ارض موعود» است و طبق وعده تورات، بر عموم یهودیان در سراسر جهان واجب است به آن سرزمین بشتابند! و دولت جهانی یهود را برپا کنند و بر همه انسان‌ها ریاست و سروری داشته باشند!

چنان که در بند چهارم قطعنامه سازمان صهیونیسم در بالا اشاره شده است، صهیونیست‌ها به این نکته رسیده بودند که سلطه بر فلسطین و برپایی دولت در آن سرزمین بدون پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه دولت‌های مقتدر جهان - به ویژه استعمارگران غرب - تحقق نمی‌یابد. بیرون راندن ملتی از سرزمین آبا و اجدادی آنها و سلطه بر مال و زمین و دارایی و میهن آنان، افزون بر داشتن سلاح‌های مدرن و پیشرفته و توانایی‌های مادی و نظامی، رویارویی با جهان اسلام و رویارویی با موازین انسانی و اصول بین‌المللی و نادیده گرفتن افکار جهانی بود. این سدشکنی‌ها، بی‌پروایی‌ها و حق‌کشی‌ها کاری نبود که بدون یاری و پشتیبانی ابرقدرت‌ها از مشتی یهودی سرگردان، سرخورده و آواره ساخته باشد. از این رو، صهیونیست‌ها با دولت‌های گوناگون (چه ابرقدرت‌ها، چه دولت‌های مقتدر اسلامی و غیراسلامی) به گفت‌وگو و رایزنی نشستند و کوشیدند هر دولتی را طبق شیوه و شگردی به یاری و همکاری با خود وادارند و از همراهی آنان در راه اشغال فلسطین برخوردار شوند و آن دولت‌هایی را که در راه سلطه صهیونیست‌ها به فلسطین سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی می‌کنند، با توطئه‌های رنگارنگ به تسلیم و سازش بکشانند یا از سر راه بردارند. در این راستا، دولت‌های مقتدر - به ویژه استعمارگران غربی - به ایده و اندیشه صهیونیست‌ها برای اشغال فلسطین روی خوش نشان دادند و آمادگی خود را برای همه‌گونه یاری و همراهی به منظور رسیدن صهیونیست‌ها به آمال و آرزوی دیرینه‌شان اعلام کردند.

۳. نقشه و اندیشه استعمارگران از کوچ دادن یهودیان به فلسطین

دولت‌های اروپایی از همراهی با صهیونیست‌ها در راه اشغال فلسطین و پدید آوردن دولت یهود در آن سرزمین چند نقشه و اندیشه را دنبال می‌کردند:

- رویارویی و ستیز با اسلام و اسلام‌خواهان
- اروپایی‌ها از دوران جنگ‌های صلیبی که از ۱۰۹۶ میلادی آغاز شد و طی چند سده ادامه یافت، به ژرفایی قدرت اسلام پی بردند و در دوره‌های دیگر نیز نیرومندی اسلام را در مبارزه





با زور مداران و تجاوزگران پیشتر آزمودند. حکم جهاد علمای اسلام بر ضد روسیه در سال ۱۲۰۴ ش که ارتش نیرومند روسیه را در لنکران، شیروان، گنجه و شهرهای دیگر ماورای قفقاز در هم شکست، حکم میرزا مسیح تهرانی بر ضد سفیر گستاخ دولت روسیه تزاری در سال ۱۲۰۷ ش که با کشته شدن سفیر و شماری از اعضای سفارت تزار در تهران پایان یافت، قیام مردم ایران ضد فراموشخانه و فراماسونری به رهبری ملا علی کنی و تکفیر ماسون‌ها از جانب آن عالم اسلامی که به آتش کشیده شدن فراموشخانه و تار و مار شدن ماسون‌ها انجامید (۱۲۳۸ ش)، مبارزه و مخالفت ملا علی کنی با قرارداد رویتر که به سقوط دولت ماسونی میرزا حسین خان سپهسالار و لغو قرارداد رویتر منجر شد (۱۲۵۲ ش)، حرکت سید جمال‌الدین اسدآبادی در دهه ۱۲۶۰ ش که کاخ امپراتوری بریتانیا را به لرزه درآورد، حکم میرزای شیرازی ضد قرارداد رژی که کمر کمپانی رژی را شکست (۱۲۷۰ ش)، و نیز نهضت عدالتخواهی علمای عصر مشروطه (۱۲۸۰ ش)، هر یک به نوبه خود زنگ خطری بود که گوش‌های استعمارگران و زورمداران جهان را آزار می‌داد و لرزه بر دل‌هایشان می‌افکند. آنها از کینه یهود نسبت به اسلام و مسلمان‌ها آگاهی داشتند و در این اندیشه بودند که با گماردن دولتی یهودی در میان کشورهای اسلامی، ستیز با اسلام را که طی چند سده دنبال کرده بودند، شکل تازه‌ای ببخشند و آن را ریشه‌ای تری بگیرند. استعمارگران غربی می‌دانستند که استقرار دولت یهود در فلسطین خنجری خواهد بود بر قلب اسلام، و خواه یا ناخواه جهان اسلام را به مخمصه‌ای گریزناپذیر دچار خواهد کرد.

• دور ماندن از فتنه‌گری و آتش‌افروزی صهیونیست‌ها

همان طوری که در ابتدای این مقاله گفته شد اروپا در درازای تاریخ از توطئه‌ها، کارشکنی‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، آتش‌افروزی‌ها و فتنه‌گری‌های یهود خسته و آزرده بود. یهودیان در هر کشوری که حضور داشتند نقش ستون پنجم را بازی می‌کردند و به سود دشمنان آن کشور و ملت به جاسوسی، خبرچینی، دزدی، شایعه‌پراکنی، رشوه‌خواری و... دست می‌زدند؛ از این رو، یهودیان را در هیچ کشور اروپایی راه نمی‌دادند. اروپایی‌ها با کوچ دادن صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین به یک کرشمه دو کار کردند، اول آن که از توطئه‌ها و آتش‌افروزی‌های پیاپی و دامنه‌دار یهودیان خود را رهایی بخشیدند و دوم آن که آتش فتنه را بر جان جهان اسلام انداختند.

• کنترل صهیونیست‌ها

استعمارگران با گردآوری یهودیان در فلسطین، آنان را در شرایطی قرار دادند که هیچ‌گاه نتوانند از دولت‌های مقتدر جهانی - به ویژه غربی - احساس بی‌نیازی کنند. استعمارگران می‌دانستند که یهودیان در فلسطین در محاصره دشمنان سوگند خورده خود هستند و از نظر

تکنولوژی و نظامی هر اندازه پیشرفت کنند و مجهز شوند بدون پشتیبانی استکبار جهانی، هیچ‌گاه نخواهند توانست به حیات خود ادامه دهند و دولت صهیونیستی را سرپا نگه دارند. استعمارگران با کوچ دادن صهیونیست‌ها و یهودیان به فلسطین آنان را زیر کنترل خود قرار دادند و به بن‌بست بی‌بازگشت دچار ساختند که باید پیوسته در جنگ و ستیز و خونریزی و قربانی دادن به سربرند و گرنه به نابودی و فروپاشی روبه‌رو می‌شوند. در واقع صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی ناگزیرند مجربان و مأموران بی‌چون و چرای جهانخواران باشند.

- درمانده کردن کشورهای اسلامی

دولت‌های مقتدر غربی از پیشرفت، ترقی و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای اسلامی سخت وحشت دارند. آنها به درستی دریافته‌اند اگر این کشورها از نظر سیاسی و اقتصادی به مرحله خودکفایی برسند، با داشتن سرمایه‌های سرشار مادی و معنوی می‌توانند عزت، عظمت و کرامت از دست رفته خود را بازیابند و دست تبهکاران، فزون‌خواهان و جهانخواران را از سرنوشت کشورهای و ملت‌های مسلمان کوتاه کنند. با پدید آمدن دولت صهیونیستی در قلب جهان اسلام، دولت‌های کشورهای اسلامی خواه یا ناخواه ناگزیرند یکی از این راه‌ها را برگزینند: یا با رژیم صهیونیستی به نبرد و مبارزه برخیزند و در آمد کشورشان را به خرید تجهیزات نظامی و جنگی صرف کنند و از آبادی و سازندگی بازمانند یا راه‌سازش و کنار آمدن با اشغالگران فلسطین را در پیش گیرند که در این صورت رژیم صهیونیستی با ترفندها و نیرنگ‌های خود، اقتصاد و زراعت کشورشان را فلج خواهد کرد و منابع زرخیز آن کشور را به یغما خواهد برد و راه را برای غارتگری‌ها و تاخت و تاز جهانخواران در آن کشورها هموار خواهد ساخت.

- بنیاد پایگاه نظامی مورد اطمینان در آسیا

جهانخواران با گماردن یهودیان در فلسطین به عنوان یک دولت، پایگاه نظامی بسیار مجهز و آماده‌ای برای خود پدید آوردند زیرا آنها برای کنترل منابع زرخیز کشورهای اسلامی - به ویژه نفت - به پایگاه نظامی آماده نیاز داشتند. از طرفی برخی از دولت‌های کشورهای اسلامی که از اعمار استعمار غرب به شمار می‌روند، نمی‌توانند پایگاه مطمئنی برای نفت‌خواران باشند زیرا چه بسا با یک حرکت مردمی فروپاشند و نقشه‌ها و نیرنگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌های استعمار یک‌روزه بر باد رود. استعمارگران می‌دانستند با پدید آوردن «اسرائیل» در غرب آسیا، نیرومندترین، مجهزترین و مطمئن‌ترین پایگاه را برای خود ایجاد می‌کنند.

- رواج دادن فساد و فحشا در سرزمین‌های اسلامی

یکی از انگیزه‌های استعمار از کوچ دادن یهودیان به فلسطین، گسترش فساد و بی‌بند و باری





در میان جوانان مسلمان بود. استعمارگران به این نکته پی برده بودند که یکی از شگردها برای دور کردن ملت‌ها از اسلام و باورمندی‌های اسلامی، دامن زدن به فساد و فحشا در میان آنان می‌باشد و یهودیان در رواج دادن این فضاحت و رذالت و آلوده کردن مسلمانان کامیابی‌های بیشتری دارند. زیرا طبق آورده‌های تورات تحریف شده، یهودیان در فساد و فحشا و بی‌بند و باری حد و مرزی نمی‌شناسند؛ از این روی یک محیط را به فوریت آلوده می‌کنند.

یهودیان در کتاب‌های مقدس خود به پیامبران خدا زنا با نامحرمان و همبستر شدن با دخترانشان را نسبت می‌دهند.^۱ تاراه هر گونه زشت کاری و بی‌بند و باری را برای خود هموار کنند. در کتاب مقدس یهود می‌خوانیم:

... من دختران شما را در حینی که زنا می‌کنند و عروس‌های شما را در

حینی که فاحشه‌گری می‌نمایند کیفر نخواهم کرد.^۲

... کسی که با عشق و علاقه به خاطر تمتع جنسی با خواهرش که اعتراض ننموده است، همبستر شود مرتکب گناه نشده است ولی اگر مواجه با شکایت همشیره‌اش گردد، عدم تکرار آن باید به وی ابلاغ شود.^۳

... اگر کسی با بچه‌ای یا دختر بچه‌ای از ناحیه دبر تماس حاصل نماید، اگر در اثر فریاد بچه یا دخترک، کسانی متوجه کار بشوند، به آن شخص توصیه می‌شود که از انجام این عمل خودداری کند...^۴

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

• اهمیت فلسطین برای استکبار جهانی

فلسطین از نظر استراتژیک برای استکبار جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا: الف. در یکی از مهمترین نقطه تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد. ب. در قلب ذخایر انرژی پر بار غرب آسیا واقع شده است.

پ. در مجاورت یکی از بزرگترین آبراه‌های بین‌المللی (کانال سوئز) قرار گرفته است. ت. مرکز پیدایش سه ادیان بزرگ الهی می‌باشد و شهر بیت المقدس، برای مسلمانان، مسیحیان و یهودیان مقدس است. از این رو، برای پدید آوردن اختلاف و کشمکش میان مردم بومی آن سرزمین و پیاده کردن تز «تفرقه بینداز و حکومت کن» می‌توان از آن

۱. این دو عمل بی‌شرمانه را به ترتیب به حضرت داود: (سموئیل دوم اصحاب یازدهم) و حضرت لوط نسبت داده‌اند: (سفر پیدایش اصحاب بیست و نهم)

۲. هوشع، باب ۴، آیه ۱۴.

۳. تالمود کتوبوت، باب ۱۱ و ۱۴.

۴. همان.

بهره‌برداری کرد.

اروپاییان و در پیشاپیش آنان دولت بریتانیا می‌دیدند که فلسطین پلی است که سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و از طرف دیگر بخش‌های آسیایی - آفریقایی جهان عرب را به یکدیگر متصل می‌کند و مهم‌تر اینکه در کنار صحرای سینا و آبراه کانال سوئز قرار دارد و سلطه بر آن برای کنترل سواحل غربی و شرقی مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو، سلطه بر فلسطین و جدا کردن آن از مام‌میهن (سوریه و اردن) تنها خواست صهیونیست‌ها نبود، بلکه از اهداف استراتژیک و ریشه‌ای استعمارگران نیز به شمار می‌رفت.

• تخریب ادیان و ترویج سکولاریزم

صهیونیست‌ها و همزاد آنان یعنی فراماسون‌ها، از مخالفان سرسخت ادیان و باورمندی‌های دینی هستند. آنها به‌ظاهر مبارزه با خرافه‌پرستی، کهنه‌پرستی و پنداربافی را از هدف‌های خود وانمود می‌کنند لیکن ستیز با ادیان - به ویژه اسلام - از برنامه‌های استراتژیک آنان می‌باشد. این دو سازمان زیر پوشش «خردگرایی»، «انسان‌سالاری»، «اومانیزم» و «بالا بردن درک و فهم بشر» و مبارزه با خرافات و «عقاید کهنه» ریشه‌ای‌ترین و گسترده‌ترین رویارویی با ادیان آسمانی را دنبال می‌کنند و از بزرگترین و آرمانی‌ترین خواسته‌های آنان رواج دادن مادی‌گرایی (ماتریالیسم) و پس راندن اندیشه‌های سازنده و آزادیبخش دینی می‌باشد. انکار صانع و وحی و نبوت، نیز انکار بقای ارواح و بهشت و دوزخ و انکار جهان ماوراءالطبیعه و فرشتگان، از اندیشه‌های زیربنایی صهیونیست‌ها و فراماسون‌ها می‌باشد. برابر باور آنها:

... انسان‌های اولیه، به علت عدم اطلاع از چگونگی رویدادهای طبیعی، به این نیروها نسبت‌های خدایی داده‌اند؛ مانند خدای باران، خدای توفان و... با گذشت زمان و به تدریج تعداد خدایان به چند خدا و عاقبت به یک خدا تنزل پیدا کرد... خدا زاییده اذهان مایند...^۱

نیز آورده‌اند:

... انسان‌های اولیه در مقابل نیرو و عظمت رویدادهای طبیعت، به قدرت‌های ماوراءالطبیعه اعتقاد پیدا کرده و بسا این توهمات ادیان اولیه



۱. هارون یحیی، فراماسونری و یهود، ترجمه جعفر سعیدی، تهران، علمی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.



ظاهر گر دیده‌اند...^۱

استعمار انگلیس و دیگر دولت‌های مقتدر اروپا که از اسلام ضربه‌های سنگینی خورده بودند، چنین پنداشتند که وجود این سازمان‌های لائیک و ضد دین در کنار کشورهای اسلامی و ملت‌های دین باور مسلمان، می‌تواند نقش مهمی در سست کردن باورمندی‌های دینی مسلمانان بازی کند و آنان را دست کم به «تسامح و تساهل»، اباحی‌گری، بی‌بند و باری و بی‌تفاوتی بکشاند. از این رو، دولت‌های اروپایی - به ویژه دولت انگلیس - که نقشه‌های ویرانگر، غارتگرانه و استعماری دامنه‌داری برای کشورهای اسلامی در سر داشت، با صهیونیست‌ها در راه اشغال فلسطین و برپایی رژیم صهیونیستی همراهی نشان دادند و کارشناسان و طراحان خود را برای پیاده کردن این نقشه به بررسی و ارزیابی فراخواندند. اروپاییان این واقعیت را به درستی دریافته بودند که چیرگی بر فلسطین و گردآوری یهودیان در آن سرزمین و برپایی یک دولت صهیونیستی به آسانی شدنی نباشد و به دگرگونی همه‌جانبه در منطقه از نظر سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی نیازمند است که باید زمینه آن دگرگونی فراهم شود.

جنگ اول جهانی و وعده «بالفور»

می‌توان گفت نخستین جنگ جهانی در سال ۱۲۹۲ شمسی با توطئه صهیونیست‌ها و دولت بریتانیا در راه فروپاشی دولت عثمانی و تجزیه آن کشور پهناور اسلامی تدارک دیده شد. در این جنگ خانمان سوز، با شکست عثمانی‌ها و عقب‌نشینی نیروهای آن از سوریه و لبنان، بر اساس قرارداد ۱۹۱۶ سایکس - پیکو شهرهای بیروت، صور و صیدا که «سوریه شمالی» نامیده می‌شد به دست ارتش فرانسه افتاد و «سوریه جنوبی» که شهرهای ساحلی تل‌آویو، یافا، حیفا، بیت‌المقدس و اردن را در بر می‌گرفت، همراه بین‌النهرین (عراق) به تصرف ارتش

۱. همان، ص ۱۸۹.

نوشته‌اند: «فعالیت‌های مختلف (ماسون‌ها و یهودی‌ها) در جهت تخریب ادیان و دشمنی با دین موجب شده بود تا مسیحیان جهان از ماسونی احتراز نمایند. چنین وضعی مانع نابودی ادیان می‌گردید. لذا با به کارگیری روش‌های مختلف و با ارایه ماسونی با ظاهر مظلوم و معصوم، موجبات ماسون شدن عده زیادی مسیحی فراهم شد... ماسون‌ها و یهودی‌ها با رسوخ و نفوذ به صفوف مسیحیان و مسلمانان برای پس راندن عقاید دینی آنان بسیار خوب سازمان‌دهی شدند... (همان، ص ۲۶۲)

صهیونیست‌ها و فراماسون‌ها برای سست کردن پایه‌های اعتقاد دینی مردم روش گام به گام را به کار می‌گیرند. خود چنین اعتراف دارند: «... موقعی که در افاق تاریکی در حال خواب و بیداری هستید، اگر کسی لامپ افاق را روشن نماید مخالف با میل شما عمل کرده است، زیرا چشمان شما به تاریکی خو گرفته و از نور زیاد متأثر خواهد شد. دوست دارید روشنایی با نور کم شروع شود... در اصل ماسونی همین عمل را انجام می‌دهد: تاباندن آرام آرام نور و ضیاء بر چشمان خواب و بیدار...» (همان، ص ۲۶۷) منظور از «تاباندن آرام نور و ضیاء بر چشم نیمه‌بیدار»، به کارگیری تاکتیک‌ها و روش‌های مناسب و تدریجی و نامرئی در راه سست کردن پایه‌های دینی و کشتن دین باوران به سکولاریزم است.

انگلستان در آمد.

دولت انگلیس برای شکست نیروی عثمانی بر آن شد که با وعده‌های دروغین به عرب‌ها و انگیزتن اندیشه‌های ناسیونالیستی و نوید برپایی امپراطوری عربی، آنان را در درون سرزمین عثمانی به خیزش و شورش وادارد و بدین گونه دولت عثمانی را از درون با ناآرامی‌ها و درگیری‌های شکننده دست به گریبان سازد و از طرف دیگر از تشکیلات جاسوسی و زیرزمینی صهیونیست‌ها در راه چیرگی بر عثمانی‌ها بهره بگیرد. صهیونیست‌ها آنگاه که دریافتند دولت بریتانیا برای شکست عثمانی‌ها به همکاری‌های جاسوسی- تروریستی آنان نیاز مبرم دارد، فرصت را غنیمت شمرده، آن دولت را برای گرفتن تضمین در مورد واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان و موافقت با برپایی یک دولت صهیونیستی در آن سرزمین زیر فشار گذاشتند. دولت بریتانیا روی اهمیتی که فلسطین از نظر استراتژیک برای او داشت (که پیش تر به آن اشاره شد) و روی نیاز به همکاری‌های اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیست‌ها، بر آن شد که به این خواسته آنان پاسخ مثبت دهد. از این رو، کابینه جنگی انگلستان پس از هماهنگی با امریکا و فرانسه در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۱۷ پایه‌گذاری «وطن ملی یهود» در فلسطین را به تصویب رسانید. وزیر خارجه آن روز بریتانیا به نام آرتور جیمز بالفور بی‌درنگ طی نامه‌ای به صهیونیست‌ها، خبر تصویب آن را این گونه اعلام کرد:

دوم نوامبر ۱۹۱۷

لرد روچیلد عزیز!

برای من مایه نهایت خرسندی است که به نام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پشتیبانی خود را از آرمان‌های صهیونیان یهودی که در جلسه هیئت دولت مورد تصویب قرار گرفته است، به شرح زیر به شما ابلاغ کنم: دولت اعلیحضرت پادشاه موضوع تأسیس وطن ملی یهودیان را در فلسطین با نظر مساعد می‌نگرد و برای رسیدن به این مقصود بهترین کوشش‌های خود را به کار خواهد برد. کاملاً بدیهی است که هیچ عملی به زیان حقوق مدنی یا مذهبی مردم غیر یهودی فلسطین، یا حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در دیگر کشورهای جهان صورت نخواهد گرفت. مایه سپاسگزاری من خواهد بود که مفاد این اعلامیه را به اطلاع اتحادیه صهیونیست‌ها برسانید.

این نامه که به «وعده بالفور» شهرت یافت برای صهیونیست‌ها در پایه سند مالکیت خاک

۱. یکی از سرمایه‌داران بزرگ صهیونیسم و رئیس بانک روچیلد شعبه انگلستان





فلسطین بود. آنها این نامه محرمانه و پنهانی را جهشی آرمانی در راه رسیدن به هدف خود به شمار آوردند و از اینکه در تاریخ زندگی سیاسی خود از جانب یک ابر قدرت به عنوان «ملت یهود» خوانده شده‌اند، به خود بالیدند و آن را از بزرگترین موفقیت‌های سیاسی خود پنداشتند.

۴. شیوه‌ها و شگردها در راه برپایی دولت صهیونیستی و نگهداری آن

جریان همدستی صهیونیست‌ها و سران اروپا در راه تجزیه کشور پهناور اسلامی و برپایی «وطن ملی یهودیان» در فلسطین در مرز «وعده بالفور» و شکست دولت عثمانی در جنگ اول جهانی باز نایستاد؛ بلکه در هر برهه و مرحله‌ای با تاکتیک نوینی دنبال شد. برای مثال در سال ۱۲۹۹ ش (۱۹۲۰ م)، کنفرانسی پنهانی در شهر سان ریمو در کشور ایتالیا برپا شد که دولت‌های انگلیس، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، یونان و بلژیک در آن شرکت داشتند. این دولت‌ها در این کنفرانس درباره تجزیه سرزمین‌های حوزه امپراتوری عثمانی، واگذاری فلسطین به صهیونیست‌ها و جریان‌های دیگر خاورمیانه به توافق رسیدند.

در پی قیمومیت انگلستان بر فلسطین، یهودیان با سازماندهی صهیونیست‌ها و با همدستی و تشویق مقامات انگلیسی، گروه، گروه به شکل پنهانی به فلسطین کوچ داده شدند تا آنجا که پس از گذشت بیست سال از اشغال فلسطین به وسیله انگلستان، شمار یهودیان آن سرزمین از ۵۶۰۰۰ در سال ۱۲۹۷ ش، به ۶۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۲۰ ش افزایش یافت.^۱ ساموئل (نخستین یهودی که در دولت انگلستان به مقام بلند پایه دولتی رسید) در ژانویه ۱۹۲۰ م به عنوان «کمیسر عالی انگلیس در فلسطین» وارد آن سرزمین شد و در راه به اجرا درآوردن نقشه صهیونیست‌ها برای برپایی یک دولت یهود در فلسطین به تلاش‌های گسترده‌ای دست زد. او در دستگاه دولتی آن سرزمین مهره‌های صهیونیستی را به کار گماشت و تا آنجا که توانست عرب‌ها را از پست‌های دولتی و اجرایی کنار زد. بررسی تاکتیک‌ها و ترفندهایی که انگلستان و صهیونیست‌ها در راه پدید آوردن دولتی

۱. تا سال ۱۹۱۸ که فلسطین از سوی انگلستان اشغال شد، ۹۰/۶٪ از مجموع ساکنان آن سرزمین را عرب‌ها تشکیل می‌دادند و مالک ۹۹/۵٪ سرزمین آن بودند. یهودیان نیز ۸٪ جمعیت کل فلسطین را تشکیل می‌دادند و ۲/۵٪ زمین‌های فلسطین به آنان تعلق داشت. صهیونیست‌ها در دوران اشغال فلسطین به وسیله انگلستان به خرید بهترین و آبادترین زمین‌های فلسطین دست زدند. آن گاه که عرب‌ها به نقشه‌های آنان پی بردند، از فروش زمین به آنان خودداری ورزیدند. لیکن صهیونیست‌ها کوشیدند که با واسطه قرار دادن مشتکی دلال‌های به ظاهر مسلمان، این نقشه را پی بگیرند و بسیاری از زمین‌ها را با دلالی و واسطگی مسلمان‌نماها، به چنگ آورند. سید ضیاء طباطبایی از عناصری بود که نقش دلال را برای صهیونیست‌ها بازی می‌کرد و زمین‌های زیادی را خریداری کرد و در اختیار صهیونیست‌ها قرار داد. در نتیجه پس از گذشت بیست سال از سلطه انگلستان به فلسطین، میزان آن به ۵/۶٪ رسید.

صهیونیستی در سرزمین فلسطین و سر پا نگاه داشتن آن به کار گرفتند و دنبال کردند، گسترده‌تر از آن است که بتوان در این فرگرد به آن پرداخت لیکن برخی از آن شیوه‌ها و شگردها را به شکل کوتاه شمارش می‌کنم:

• انگیزتن اندیشه‌های نژادپرستانه و ملی‌گرایانه در میان ملت‌های مسلمان

از نخستین تاکتیک‌ها و ترفندهای استعماری در راه پدید آوردن جدایی و رویارویی میان پیروان اسلام، زنده کردن اندیشه‌های نژادپرستانه و ناسیونالیستی و نادیده گرفتن برادری اسلامی در میان آنان بود. متفقین که در جنگ اول جهانی از پیروزی مسلمانان سخت اندیشناک بودند، بر آن شدند با بهره‌گیری از تعصبات جاهلانه نژادی، قومی و قبیله‌ای در میان مردم عرب، آنان را به خروش و شورش ضد دولت عثمانی وادارند و از درون خنجری از پشت بر آن دولت وارد کنند. از این‌رو، برخی از مهره‌های ورزیده، کار آزموده و کارشناس انگلستان با برخی از سران عشایر و قبایل عرب به گفت‌وگو نشستند و آنان را برای به اصطلاح رهیدن از سیطره عثمانی‌ها برانگیختند و به آنان نوید دادند که در صورت جدا شدن عرب‌ها از دولت عثمانی، انگلستان برپایی یک امپراتوری عربی را به رسمیت خواهد شناخت و در راه تشکیل آن، عرب‌ها را یاری خواهد داد.

شریف حسین که از طرف عثمانی‌ها به سرپرستی عربستان (حجاز) گماشته شده بود و ریاست آن منطقه را بر عهده داشت، از این وسوسه‌های استعماری و با رؤیای شیرین به دست آوردن رهبری جهان عرب و نشستن بر تخت سلطنت امپراتوری عربی به گونه‌ای سرمست شد که پرچم شورش ضد دولت عثمانی را برافراشت و در آن برهه سرنوشت‌ساز که عثمانی‌ها سرگرم نبرد سرنوشت‌ساز با استعمارگران غربی و تجاوزگر بودند، «انقلاب عربی»^۱ را اعلام کرد و دوشادوش سربازان انگلیسی با نیروهای عثمانی به نبرد برخاست، پادگان‌های عثمانی را مورد حمله قرار داد و در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۱۸ وارد دمشق شد و پرچم

۱... انقلاب عربی اصطلاح ویژه‌ای است که در مورد شروع عملیات مشترک عرب-انگلیس در ماه ژوئن ۱۹۱۶، علیه عثمانی به کار برده می‌شود... زمام امور کشورهای عربی خاورمیانه به استثنای مصر در این هنگام در دست دولت عثمانی بود. از سوی دیگر همین حکومت فاسد (عثمانی) مانع بزرگی بر سر راه رخنه استعمار در غرب آسیا شمرده می‌شد... نقشه این بود که انگلستان از طریق کمک به نهضت اعراب، دولت عثمانی را در داخل گرفتار و متلاشی کند و از طرف دیگر رهبری دنیای جدید عرب را در مسیر منافع سیاسی بر عهده بگیرد... مذاکرات مربوط به انقلاب عربی از سال ۱۹۱۲ میان سران عرب و انگلیس آغاز شده بود... سران انقلاب عربی عبارت بودند از: شریف حسین، پسرانش (علی، فیصل و عبدالله) نوری سعید، لورنس عربستان، ژنرال النبی، کیچنر و رونالد استورز. بدین ترتیب، با آرایش کامل نظامی و آمادگی قبلی در روز دوشنبه ۶ ژوئن ۱۹۱۶ شریف حسین آغاز انقلاب عربی را در مکه اعلام کرد و حمله عمومی علیه پادگان‌ها و خطوط ارتباطی عثمانی در سرزمین‌های عربی آغاز شد و در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۸ که فیصل و لورنس فاتحانه وارد دمشق شدند، پایان یافت. در نتیجه انقلاب عربی به گفته دکتر سمتره کشورهای عرب از تسلط یک حکومت ارتجاعی خشن رهایی یافتند ولی بلافاصله در دام یک شبکه استعماری مدرن و منظم گرفتار شدند و پاره‌ای از قلب میهن خود را به نام فلسطین از دست دادند... (ناصرالدین نشاسیبی، در خاورمیانه چه گذشت؟، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران، توس، ۱۳۵۷، ص ۱۹۷-۱۹۶).





آن دولت را پایین کشید و پرچم به اصطلاح انقلاب عربی را به اهتزاز در آورد. فریب خوردگان جهان اسلام به دنبال برپایی پان عربیسم، پان ترکیسم و پان ایرانیسم روان شدند، برادری اسلامی را از یاد بردند و آنگاه که صهیونیست‌ها در سرزمین فلسطین مسلمانان را قتل عام کردند بسیاری از ملت‌های مسلمان که عرب نژاد نبودند، در برابر این فاجعه خونین بی تفاوت ماندند و اگر شماری از مردم روی باورهای دینی و موازین انسانی خواستند به یاری فلسطینی‌ها بشتابند ملی گراهای دوآتشه با جوسازی‌ها، جار و جنجال‌ها و پیش کشیدن بحث‌های روشنفکری و مطرح کردن تز ناروای «چراغی که در خانه رواست، در مسجد حرام است» آنان را از هر گونه همراهی و همدردی با ستم‌دیدگان فلسطینی باز داشتند. این نقشه و نیرنگ استعماری تا امروز نیز تداوم یافته است.

• تجزیه کشور پهناور اسلامی و تقسیم آن به شماری کشورهای خرد و ناتوان استعمارگران از کشور بزرگ اسلامی که در سیطره عثمانی‌ها قرار داشت، آسیب‌های سنگینی دیده بودند و قدرت و شوکت آن کشور را در رویارویی با آرز و نیاز استعماری به درستی آزموده بودند. از این رو، در پی جنگ اول جهانی و شکست دولت عثمانی، استعمارگران بر آن شدند که هیچ‌گاه رخصت ندهند کشور پهناوری زیر پرچم اسلام پدید آید و برای این منظور به توطئه نوینی دست زدند و هر بخشی از سرزمین اسلامی را که در حوزه سیطره عثمانی‌ها قرار داشت، به نام یک کشور، مرزبندی کردند و بدین گونه دگرگونی ژرفی از نظر جغرافیایی در غرب آسیا پدید آوردند و راه را برای پدید آوردن کشوری به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین هموار ساختند.^۱

۱. «... مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود، تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته‌ترین رجال بودند... (استعمارگران) دیدند که با این سیطره و با این وحدت اسلامی... نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را طلای زرد اینها را، قبضه کرد، در صدد چاره برآمدند. چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. شاید بسیاری... یادشان بیاید جنگ بین‌المللی را، جنگ اول بین‌المللی را که با مسلمین و با دولت بزرگ عثمانی چه کردند... بعد از اینکه در آن جنگ - با آن بساط - غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دول بسیار کوچک؛ برای هر یک از آنها هم امیری قرار دادند، یا سلطانی قرار دادند یا رئیس جمهوری قرار دادند. آنها در قبضه مستعمره‌چی‌ها و ملت‌های بیچاره در قبضه آنها... بعد از آنکه تجزیه شد در... زمان آتاتورک خبیث، اسلام را در آنجا لغا کردند... آنها دیدند که اتکای به اسلام نقطه بسیار بزرگی است که با این اتکانمی‌شود دولت‌های اسلامی را از بین برد، در ترکیه اسلام را از حساب دولت جدا کردند، حالا می‌بینید که در قبرس از ترک‌ها کشته می‌شود یک مسلم نیست که متأسف باشد... اختلافاتی که در عراق، در ایران، در سایر ممالک اسلامی ایجاد می‌کنند باید سران دول اسلامی توجه داشته باشند به این معنی که این اختلافات، اختلافاتی است که هستی آنها را به باد می‌دهد... آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، قضیه نژادبازی است، این نژاد ترک است، باید نمازش را هم ترک بخواند! این نژاد ایران است باید الفبایش هم چه جور باشد، آن نژاد عرب است، عربت باید حکومت کند نه اسلام! نژاد آریایی باید حکومت کند نه اسلام! نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام! این نژادپرستی... یک مسئله بچه‌گانه است... مثل اینکه بچه‌ها را دارند بازی می‌دهند... غافل از آن نکته اتکایی که همه مسلمین داشتند. افسوس! افسوس! که این نکته اتکا را از مسلمین گرفتند... قضیه نژادبازی یک ارتجاع است...» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۴).

• دولت‌های دست‌نشانده

انگلستان و دیگر دولت‌های استعماری این نکته را به درستی دریافته بودند که اگر دولت‌های کشورهای اسلامی و عربی - به ویژه دولت‌های مجاور فلسطین - از دست‌نشانده‌گان و سرسپردگان به نظام استکباری نباشند نه پدید آوردن رژیم صهیونیستی در فلسطین شدنی است و نه می‌توان چنین رژیم ساختگی و بی‌ریشه‌ای را در منطقه برای همیشه سر پا نگاه داشت. از این رو، در پی پایان جنگ اول جهانی که دگرگونی جغرافیایی به دست دولت‌های استعماری در غرب آسیا پدید آمد، انگلستان بر آن شد مهره‌های وابسته به خود را در منطقه یکی پس از دیگری بر تخت سلطنت بنشانند و زمام امور کشورهای اسلامی را به کسانی بسپرد که بی‌چون و چرامجری سیاست آن دولت استعماری باشند و نه تنها در سرکوب حرکت‌ها و خیزش‌های اسلامی و مردمی با انگلستان همکاری کنند بلکه در پدید آوردن رژیم صهیونیستی و نگهداری از کیان آن نیز همراه باشند و نقش منفی و بازدارنده نداشته باشند.

گماشتگان انگلیس در کشورهای کنار فلسطین

انگلستان در سال ۱۳۰۲ ش (۲۳ اوت ۱۹۲۱) حکومت‌های عراق و اردن را به ترتیب به امیر فیصل و امیر عبدالله (دو فرزند شریف حسین که در شکست دولت عثمانی با متفقین همکاری تنگاتنگی داشتند) واگذار کرد. در سال ۱۳۰۳ ش وهابی‌های بیابانگرد را بر حجاز چیره ساخت و شریف حسین را از قدرت کنار گذاشت.^۱ در این سال مصطفی کمال را نیز در ترکیه به کودتا واداشت. همچنین در سال ۱۳۰۴ ش رضاخان را در ایران بر تخت سلطنت نشانید. البته زمینه آن را با کودتای ۱۲۹۹ فراهم کرد و بدین گونه راه را برای چیرگی صهیونیست‌ها بر فلسطین هموار ساخت.

• بند و بست‌های پنهانی بر خی از دولت‌های عربی و اسلامی با صهیونیست‌ها از طرفند‌های انگلستان در راه چیرگی صهیونیست‌ها بر فلسطین و برپایی دولت صهیونیستی، واداشتن بر خی از دولت‌های دست‌نشانده مجاور فلسطین به بند و بست‌های

۱. شریف حسین با وعده محرمانه انگلستان مبنی بر اینکه پادشاهی و رهبری جهان عرب را به او واگذار خواهد کرد و استقلال یک امپراتوری عربی را به رسمیت خواهد شناخت، ضد عثمانی‌ها خیزش کرد و ضربه‌های سنگینی بر آنان وارد ساخت و می‌توان گفت نقش مهمی در شکست عثمانی‌ها و چیرگی متفقین داشت. او در پی پایان جنگ بر اساس بند و بست‌هایی که با انگلستان کرده بود، خود را پادشاه جهان عرب خواند و انتظار داشت که اتحاد اعراب زیر رهبری او از طرف انگلستان به رسمیت شناخته شود، لیکن دولت انگلستان چون کشوری یکپارچه و متحد در جهان اسلام را - حتی زیر پوشش ناسیونالیسم عربی - به زیان منافع استعماری و توطئه اشغال فلسطین به وسیله صهیونیست‌ها می‌دانست، از پدید آمدن چنین اتحادیه‌ای پیشگیری کرد و نه تنها وعده خود را مبنی بر واگذاری جهان عرب به شریف حسین نادیده گرفت بلکه او را نیز که خواب‌طلایی امپراتوری عربی را می‌دید بر کنار کرد و سعودی‌ها را به جای او به سلطنت بر حجاز گماشت.





پنهانی با نمایندگان و مقامات سازمان جهانی صهیونیزم بود. انگلستان با پدید آوردن یک سلسله ارتباطات، قراردادهای بند و بست‌ها میان برخی از دولت‌های عربی و سران سازمان صهیونیستی، ارتش این کشورها را در برابر یورش یهودیان به فلسطین و کشتار مردم آن در واقع خلع سلاح کرد و این دولت‌ها را ناگزیر ساخت که در برابر اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها دست روی دست بگذارند و به تماشا بنشینند و در برابر، صهیونیست‌ها با دست بازتری حمام خون در سرزمین فلسطین پدید آورند و روی مجموعه‌های مردم فلسطین کاخ دولت صهیونیستی را پایه‌گذاری کنند.

امیر فیصل پیش از آن که به سلطنت عراق گماشته شود در تاریخ (۳ ژانویه ۱۹۱۹) قراردادی را در لندن امضا کرد که صهیونیست‌ها از آن به عنوان سند زنده بر اینکه «اعراب، فلسطین را به یهودیان بخشیده‌اند!» بهره‌برداری کردند. این قرارداد میان فیصل و حیمم وایزمن از رهبران صهیونیستی برقرار شد. متن قرارداد چنین است:

والاحضرت امیر فیصل نماینده مملکت عربی حجاز و دکتور حیمم وایزمن نماینده سازمان صهیونیزم، با ملاحظه قرابت نژادی و پیوندهای استوار تاریخی میان عرب و ملت یهود تأکید می‌کند که محکم‌ترین وسایل برای رسیدن به آرمان‌های ملی آنان، برقرار کردن بیشترین حد همکاری بین کشورهای عربی و فلسطین^۱ به منظور پیشرفت هر دو گروه است. نظر به علاقه‌ای که طرفین به حفظ و تحکیم حسن تفاهم متقابل دارند، موارد ذیل متفقاً تأیید می‌کنند:

الف. لازم است که همه روابط و التزامات کشورهای عربی و فلسطین، حداکثر حسن نیت و تفاهم صمیمانه را در بر داشته باشد و برای رسیدن به این هدف نمایندگی‌های معتبر یهودی و عربی از هر طرف در کشور دیگر دایر خواهد شد.

ب. پس از پایان کار کنفرانس صلح، بلافاصله مرزهای همیشگی بین کشورهای عربی و فلسطین توسط کمیته‌ای که برگزیده دو طرف این پیمان باشد، تعیین خواهد شد.

پ. به هنگام تدوین قانون اساسی فلسطین، همه اقدامات لازم صورت

۱. امیر فیصل، برای دستیابی به قدرت و سلطنت در سوریه و عراق آن‌گونه شتاب‌زده و دستپاچه بوده است که در هنگام بند و بست و داد و ستد با سوداگران صهیونیست، فلسطین را در مقابل کشورهای عربی قرار داده است. در واقع حدود سی سال پیش از پدید آمدن رژیم صهیونیستی نامبرده فلسطین را کشوری یهودی‌نشین پنداشته و «اسرائیل» را به رسمیت شناخته است!!

خواهد گرفت که استوارترین شرایط جهت عملی شدن وعده مورخ
۲ نوامبر ۱۹۱۷ حکومت بریتانیا فراهم آید.^۱

ت. واجب است همه اقدامات لازم به عمل آید تا یهودیان بتوانند در
مقیاس عظیم و با حداکثر سرعت ممکن به فلسطین مهاجرت کنند و از
طریق اسکان وسیع و کشاورزی انبوه، در این سرزمین مستقر شوند. به
هنگام اجرای این اقدامات، باید حقوق اجاره کاران و کشاورزان عرب رعایت
شود و در جهت پیشرفت اقتصادی کمک‌های لازم به آنان صورت گیرد...^۲
امیر عبدالله نیز آنگاه که به امارت شرق اردن گمارده شد طی قراردادی با انگلستان یک
سلسله تعهداتی سپرد مانند اینکه: یک مشاور انگلیسی را به عنوان کمیسر عالی انگلیس در
عمان بپذیرد و در کارها با او مشورت کند - به دولت انگلستان حق داده شود که نیروهای
مسلح خود را در شرق اردن مستقر کند - ارتش‌های عربی هیچ‌گونه درگیری جدی با یهود
نداشته باشند و...

افزون بر این، توفیق ابوالهدی به عنوان نخست‌وزیر اردن در سال ۱۳۲۷ش (در ماه فوریه
۱۹۴۸) در آن برهه خطرناکی که صهیونیست‌ها برای برپایی دولت صهیونیستی و اعلام
موجودیت «اسرائیل» آماده می‌شدند قرارداد نوینی به شکل پنهانی و محرمانه با وزیر خارجه
انگلیس به نام مستر ارنست بیون امضاء کرد که برخی از مواد این قرارداد چنین است:
ارتش اردن در زیر پوشش حفظ سراسر خاک فلسطین و نبرد با یهود وارد این سرزمین
می‌شود ولی بدون هیچ‌گونه برخوردی با یهود، بخش عربی فلسطین را اشغال و ضمیمه خاک
اردن می‌کند.

ابوالهدی تعهد می‌کند که ضمن اجرای این طرح، سه اصل کاملاً مورد توجه خواهد بود:

الف. ارتش اردن جلیل و غزه را تصرف نخواهد کرد.

ب. به هیچ شکلی یهودیان را مورد تعرض قرار نخواهد داد.

پ. و حتی یک وجب از آن قسمتی را که به موجب قطعنامه تقسیم، به یهود بخشیده شده
است اشغال نخواهد کرد...^۳

جان باگوت گلوب انگلیسی که بیش از سی سال فرماندهی ارتش اردن را بر عهده داشت
در خاطرات خود آورده است:

... قرار بر این بود که اگر هم ارتش عربی وارد فلسطین شود، در عملیات رزمی شرکت

۱. اشاره به «وعده بالفور» است که پیش‌تر درباره آن مطالبی آورده شد.

۲. کفاح/العربی، چاپ بیروت، ص ۲۱۳.

۳. ناصرالدین نشاسیبی، همان، ص ۱۸۱.



نچوید، بلکه بخش عربی این سرزمین را که به موجب قطعنامه تقسیم ۱۹۴۷ به اعراب واگذار شده بود، اشغال کند...^۱

• کشمکش‌ها و اختلاف‌های شکننده سران کشورهای اسلامی

از آسیب‌های شکننده، ویرانگر و خانمان‌سوزی که در پی جنگ اول جهانی و تجزیه کشورهای اسلامی بر ملت‌های مسلمان غرب آسیا وارد شد، اختلاف‌ها، ناهماهنگی‌ها و کشمکش‌های برخی از سران کشورهای عربی و اسلامی با یکدیگر بود که تاکنون نیز به شکل‌های گوناگونی تداوم یافته است و استکبار جهانی، نیز رژیم صهیونیستی از این اختلاف‌ها بیشترین سود را برده‌اند.

بخشی از این کشمکش‌ها ریشه در جاه‌طلبی‌ها، بلندپروازی‌ها و کینه‌توزی‌های برخی از زمامداران این کشورها با یکدیگر دارد و برخی از آن نیز به نقشه‌ها و نیرنگ‌های انگلستان برمی‌گردد که به شکل «استخوان لای زخم» به جا مانده است.

آن روز که صهیونیست‌ها با همدستی ابرقدرت‌ها در سرزمین فلسطین دولت تشکیل دادند، دولت‌های مجاور فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی، بیش از آنکه در اندیشه نجات آن سرزمین باشند، در صدد تسویه حساب‌های شخصی، بانندی و سیاسی با یکدیگر بودند. رژیم‌های امیر عبدالله و امیر فیصل در اردن و عراق، از دولت سعودی در عربستان که پدرشان (شریف حسین) را از کار برکنار کرده بود، ناخشنود بودند. اردن نسبت به عراق ادعاهایی داشت و نیز نقشه الحاق سوریه و لبنان به خاک اردن را در سر می‌پروراند. عراق و ایران بر سر اروندرود کشمکش داشتند. دولت ترکیه در اندیشه انتقام گرفتن از عرب‌ها و خوار کردن آنان بود. نوشته‌اند:

... نارو زدن عرب‌ها به دولت عثمانی و همکاری آنان با انگلستان در جنگ اول جهانی و شکست ارتش ترک در منطقه حلب به وسیله نیروهای عربی، برای مصطفی کمال (آتاتورک) که فرماندهی ارتش را در آن منطقه بر عهده داشت تا آن پایه کینه‌برانگیز بود که در دوران زمامداری او، کشور ترکیه نه تنها هیچ‌گاه در کنار عرب‌ها نایستاد، بلکه در بسیاری موارد اقداماتی بر ضد آنان به انجام رسانید...^۲

• عربی‌وانمود کردن جریان فلسطین

از شگردهای انگلستان و صهیونیست‌ها در آستانه اشغال فلسطین و پیدایش رژیم

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۰۱.

صهیونیستی در آن سرزمین، این بود که فاجعه فلسطین را فاجعه‌ای عربی نمایند! و کوشیدند دیگر مردم مسلمان را نسبت به آن سرزمین بی تفاوت سازند.

استعمارگران به درستی دریافتند اگر توده‌ها با انگیزه اسلامی برای آزادی فلسطین و دفاع از آن بپاخیزند، چیرگی صهیونیست‌ها بر آن سرزمین و پدید آمدن یک دولت صهیونیستی به آسانی شدنی نباشد، چون در آن صورت صهیونیست‌ها و حامیان آنان ناگزیر بودند در برابر جهان اسلام بایستند و با اندیشه‌های دینی و مذهبی ملت‌ها بستیزند و بی تردید چنین رویارویی و مقابله‌ای با ملت‌های مسلمان برای استعمارگران و صهیونیست‌ها ارزان تمام نمی‌شد. می‌توان گفت علت اینکه صهیونیست‌ها بیت‌المقدس را در سال ۱۳۲۷ش اشغال نکردند، برای این بود که نمی‌خواستند عموم مردم مسلمان را به واکنش وادارند. آنها می‌دانستند که اشغال بیت‌المقدس احساسات توده‌های مسلمان را در سراسر جهان جریحه‌دار می‌کند و مایه خیزش و خروش آنان ضد صهیونیست‌ها می‌شود.

استعمارگران نه تنها توانستند توطئه اشغال فلسطین را یک چالش عربی وانمود کنند، بلکه خطر صهیونیست‌ها برای کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی را نیز از دید ملت‌های مسلمان پنهان و پوشیده داشتند، به گونه‌ای که اکنون نیز پس از گذشت بیش از نیم قرن از اشغال فلسطین و آشکار شدن نقشه‌ها و نیرنگ‌های ضداسلامی صهیونیست‌ها، برخی از ساده‌اندیشان هنوز نیز از خطر صهیونیست‌ها برای جهان اسلام بی‌خبرند و بر این باورند که انگیزه و اندیشه تبهکاران صهیونیستی تنها سلطه بر فلسطین است!!

• همدستی ملی‌گراها و صهیونیست‌ها

از نیرنگ‌ها و ترفندهای استعماری برای رویارویی با اسلام، به صحنه آوردن به اصطلاح مدرن‌ها و جنتمن‌هایی بود که خود را خردگرا، تجددگرا و روشنفکر مآب می‌نمایاندند و از لائیسزم و مدرنیسم دم می‌زدند و دین‌ستیزی و سنت‌زدایی در رأس برنامه آنان قرار داشت. استعمارگران که از مبارزات بی‌امان اسلام‌گرایان علیه تجاوزگران و فزون‌خواهان به ستوه آمده بودند، بر این باور بودند که با به صحنه آوردن مشتی عناصر غرب‌زده، خودباخته و بی‌هویت می‌توانند اسلام‌گرایان را از سر راه آرزو و نیاز استعماری خود کنار زنند و راه را برای غارتگری‌ها و تاخت و تاز جهانخواران در سرزمین‌های اسلامی هموار سازند. از این رو، می‌بینیم که در پی انقلاب کبیر فرانسه و دوران رنسانس موج ملی‌گرایی در برابر اسلام‌گرایی، کشورهای اسلامی را فرا گرفت و چهره‌هایی بازیگر صحنه شدند که منادی فرهنگ غرب بودند و شعار می‌دادند که باید از مغز سر تا انگشت پا فرنگی شد تا به پیشرفت و رفاه و ترقی رسید و مذهب مایه عقب‌ماندگی! و دین‌افیون توده‌هاست!! و دین‌باوری را با خرافه‌پرستی،





واپسگرایی و افسانه‌سرایی یکسان می‌نمایانند! این گروه‌ها نقش نیروهای پیاده‌نظام استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی را در کشورهای اسلامی بازی می‌کردند و در پیاده کردن توپخانه‌های استعماری و صهیونیستی نقش بسزایی داشتند.

استعمارگران در آن روز و روزگاری که اندیشه تجزیه‌کشور عثمانی را در سر می‌پروراندند از گروه مرموز و وابسته‌ای که در آن کشور زیر عنوان «ترکان جوان»! فعالیت می‌کردند، بهره‌زیادی گرفتند و به دست آنها نه تنها دولتی را که از تسلیم فلسطین به صهیونیست‌ها سرسختانه مخالفت می‌کردند، به سقوط کشانیدند، بلکه طبق نقشه استعمارگران، اسلام را در آن کشور از رسمیت انداختند و یک نظام لائیک حاکم کردند. سلطان عبدالحمید، آخرین سلطان کشور عثمانی در خاطرات خود می‌نویسد:

... اینجانب به خاطر فشارهای جمعیت اتحاد و ترقی موسوم به «زون ترک» [ترک‌های جوان] و تهدیدهای آنها بالاچار و از سر ناچاری خلافت اسلامی را رها کردم. این جمعیت به کرات اصرار کردند و فشار آوردند که با تأسیس وطن قومی برای یهودیان در سرزمین مقدس فلسطین موافقت نمایم. علی‌رغم پافشاری آنان من این پیشنهاد را قاطعانه رد کردم. اینان سرانجام مبلغ ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیسی به من عرضه کردند که این پیشنهاد را نیز قاطعانه نپذیرفتم و در پاسخ به آنان، جواب صریح ذیل را دادم: اگر شما - علاوه بر ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیسی - دنیا را پر از طلا می‌کردید و به من می‌دادید، به طور قطع هرگز این پیشنهاد شما را نمی‌پذیرفتم... اینان پس از جواب قاطعانه من، بر خلع اینجانب اتفاق کردند و به من ابلاغ نمودند که عنقریب مرا به سالنیک تبعید می‌کنند...!!^۱

بایسته یادآور است که مصطفی کمال از جمعیت به اصطلاح اتحاد و ترقی (ترکان جوان) بود که سلطان عبدالحمید را از قدرت برکنار کرد و سیاست استعماری و ضد اسلامی انگلستان را در آن کشور مو به مو به اجرا درآورد و ترکیه نخستین کشور اسلامی بود که در پی اشغال فلسطین، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و با آن رژیم ارتباط‌های همه‌جانبه برقرار کرد. این ارتباط تنگاتنگ رژیم لائیک ترکیه با اشغالگران فلسطین ریشه در جمعیتی داشت که دست پرورده صهیونیست‌ها بود و پیش از آن که قدرت را در ترکیه به دست آورد، در راه تسلیم سرزمین فلسطین به جهود، چنان که در بالا آمد، تلاش گسترده‌ای داشت و با تهدید و تطمیع می‌کوشید که این نقشه شیطانی صهیونیست‌ها در فلسطین به

۱. حسان حلاق، نقش یهود و قدرت‌های بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، ترجمه حجت‌الله جودکی و احمد درویش، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲.

اجرا در آید.

در ایران نیز ماسون‌ها و روشنفکر مآب‌هایی که زیر پوشش «ملی‌گراها» بازیگر صحنه بودند، با شگردهایی تلاش می‌کردند - و می‌کنند - که ملت ایران را نسبت به فاجعه فلسطین بی‌تفاوت سازند و خطر صهیونیست‌ها برای جهان اسلام را از دیدها پنهان و پوشیده دارند و نقشه شیطانی صهیونیست‌ها در راه چیرگی بر کشورهای نفت‌خیز را پندار بافی و دروغ بنمایانند؛ از این رو، در آستانه سقوط فلسطین به دست صهیونیست‌ها و در آن روزگاری که علمای مجاهد اسلام، مانند آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی ملت ایران را به نام‌نویسی برای بسیج مردم به فلسطین و دفاع از آن سرزمین فرا می‌خواندند، گروه‌ها و احزاب سیاسی نه تنها از این حرکت حمایت نکردند و حتی اعلامیه‌ای در نکوهش از اشغال فلسطین ندادند، بلکه با ترندها و توطئه‌هایی کوشیدند که ملت ایران را از مسئولیت دفاع از سرزمین‌های اسلامی باز دارند و با شعار شیطانی - ارتجاعی «چراغی که در خانه رواست، در مسجد حرام است!!» در مقابل احکام اسلامی و اصول انسانی ایستادند و موازین اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشتند! بنابراین می‌بینیم در آن روزگار سیاه و نکبت‌باری که فلسطین از سوی صهیونیست‌ها اشغال شد و مردم بی‌پناه آن سرزمین قتل‌عام شدند، گروه‌ها و احزاب ایرانی و روشنفکران دوآتشه‌ای که به اصطلاح برای «حقوق بشر» یقه چاک می‌دادند نه تنها از صدور اعلامیه‌ای خشک و خالی در نکوهش از نسل‌کشی در فلسطین اشغالی خودداری کردند، بلکه با سفرهای پنهانی و گاهی نیمه‌علنی به فلسطین و بهره‌مندی از پذیرایی گرم و سخاوتمندانه صهیونیست‌ها سخت نمک‌گیر شدند و پس از بازگشت مقاله‌هایی در ستایش از رژیم صهیونیستی و آزادمنشی! و ترقی‌خواهی آن رژیم! به قلم آوردند!

مصدق و رژیم صهیونیستی

رژیم شاه نیز پیش از اشغال فلسطین در مهاجرت جهودها به آن سرزمین همکاری نزدیک و تنگاتنگی با «آژانس یهود» داشت و آنگاه که فلسطین اشغال شد و رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت کرد، رژیم شاه پس از ترکیه، دومین کشور اسلامی بود که بی‌درنگ آن رژیم نامشروع را به رسمیت شناخت و با «اسرائیل» داد و ستد همه‌جانبه برقرار کرد.

ملت ایران در برابر این خیانت رژیم شاه سخت به خشم آمدند؛ به ویژه آنگاه که دریافتند دولت ساعد مراغه‌ای با گرفتن رشوه کلانی از اشغالگران فلسطین آن رژیم غیرقانونی را به رسمیت شناخته و با آن قرارداد بازرگانی امضاء کرده است! بنابراین پس از آن افکار عمومی خواستار قطع روابط سیاسی با رژیم صهیونیستی و باز پس گرفتن شناسایی آن رژیم





جعلی و غیرقانونی بود. دکتر مصدق که دولت خود را مردمی می‌دانست طبیعی بود که در برابر انزجار شدید ملت ایران نسبت به رژیم صهیونیستی و خواست قلبی آنان مبنی بر بازپس‌گیری شناسایی آن رژیم و قطع هر گونه رابطه با اشغالگران خون‌آشام نمی‌توانست بی‌تفاوت بماند، چون بی‌تردید به زیر سؤال می‌رفت و موقعیت مردمی خود را از دست می‌داد؛ از این رو، می‌بینیم که جبهه ملی و دولت مصدق ترفندی به کار گرفتند که جز عوام‌فریبی نمی‌توان نام دیگری بر آن نهاد! آنها نه شناسایی رژیم صهیونیستی را پس گرفتند و نه با آن رژیم به طور کلی قطع رابطه کردند، تنها کنسولگری ایران در فلسطین اشغالی را بستند! بر اساس اعلامیه رسمی دولت، بسته شدن کنسولگری ایران در بیت‌المقدس به سبب مشکلات مالی و به منظور صرفه‌جویی ارزی و اقتصادی وانمود شده بود و همزمان با بستن کنسولگری ایران در فلسطین اشغالی پاره‌ای از سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایران در برخی از کشورها مانند اندونزی، حبشه و مجارستان نیز با دستاویز مشکلات مالی تعطیل شد. بدین‌گونه دولت دکتر مصدق توانست افکار ملت ایران را آرام کند و به اصطلاح ژست ضد صهیونیستی بگیرد، لیکن در پشت پرده طبق اسنادی که اکنون در دسترس قرار دارد می‌بینیم که داد و ستد بازرگانی میان ایران و رژیم صهیونیستی در دوران دولت مصدق ادامه داشته و نفت ایران - طبق قرارداد - در اختیار صهیونیست‌ها قرار گرفته است و کالاهای آنان نیز پیوسته وارد ایران می‌شد. نیز جهودها از خاک ایران به شکل ترانزیت به سوی فلسطین مهاجرت می‌کردند. این داد و ستدها و معاملات بازرگانی از دید برخی از دولت‌های عربی و روزنامه‌ها پوشیده و پنهان نمی‌ماند و گاهی برخی از روزنامه‌های کشورهای عربی با زبان گله و انتقاد از داد و ستدهای دولت مصدق با صهیونیست‌ها پرده برمی‌داشتند و بند و بست‌های پشت پرده را برملا می‌کردند. البته دیوار حاشا نیز همیشه بلند است و نه تنها دولت مصدق، بلکه همه دولت‌های دوران ستم‌شاهی و حتی شخص محمدرضا پهلوی در درازای سلطنت خود - به رغم روابط همه‌جانبه با صهیونیست‌ها - هر گونه داد و ستد، معامله و قرارداد میان ایران و رژیم صهیونیستی را انکار می‌کردند و آن را شایعه نادرست و دور از واقعیت می‌نمایاندند!

گزارشی که در پی می‌آید متن موافقتنامه پرداخت میان بانک ملی ایران و بانک «لوس لو - اسرائیل» است که در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۳۲ منعقد گردیده و پیوست آن لیست صادرات رژیم صهیونیستی به ایران و صادرات ایران به فلسطین اشغالی می‌باشد:



مراقت نامه پرداخت بین بانک ملی ایران و بانک لوسی لو - اسرائیل

پنجاه و سه فصل واریز حساب دریافت و پرداخت در کشور ایران و اسرائیل بین بانک ملی ایران و بانک لوسی لو - اسرائیل بشرح زیر موافقت حاصل گردید :

ماده ۱

پرداخت پهای کالاهای کشور اسرائیل که ایران دارد شده یا جدا وارد شود همچنین هزینه های مربوطه آن و کلیه پرداختها ای که حساب بستنکار کشور اسرائیل از طرف ایران حواله شود و لیکن قوانین و مقررات جاریه کشور ایران از نظر معاملات ارز اجازه داده شده باشد توسط بانک ملی ایران انجام شود بدین ترتیب، بانک ملی ایران مبالغ نامبرده را بدولار آمریکا به بستنکار حسابی که در داتار خود بنام بانک لوسی لو آویز باز خواهد کرد متناوب خواهد داشت حساب مزبور هیچ گونه هزینه یا بهرهای تعلق نتواند گرفت.

ماده ۲

پرداخت پهای ۷۵٪ های ایرانی که بکشور اسرائیل وارد شده یا جدا وارد شود همچنین هزینه های مربوطه آن و کلیه پرداختها ای که حساب بستنکار کشور ایران از طرف کشور اسرائیل حواله شده و طبق قوانین و مقررات جاریه کشور اسرائیل از نظر معاملات ارز اجازه داده شده باشد بیه هم آرس حساب نامبرده در ماده یک منظره خواهد شد.

ماده ۳

چای تأمین حسن جریان پرداختها اشخاص ذوی الحقوق بانک ملی ایران و بانک لوسی لو - اسرائیل یکدیگر را روزانه از دریافت و پرداخت شود مستعسر نخواهند داشت.

ماده ۴

انتقالات و پرداختها در ایران و در کشور اسرائیل بپول داخلی هر یک از آنها چهل شواهد آند تسعیر و بپول به دلار آمریکا و بپول به اسامر مکزیک و سایر کشورهای غیره همچنین تسعیر لیره اسرائیل به دلار آمریکا و دلار آمریکا به لیره اسرائیل در اسامر مکزیک و سایر کشورهای غیره - اسرائیل خواهد بود. پرداختها ای که قبلاً از و بپول و لیره اسرائیل قلمداد شده باشد بدولار آمریکا در اسامر داخلی صندوق بین المللی پول که سربک از بانکها نسبت بآن پول و بپول رایج داخلی حاصله میباشد تسعیر خواهد شد.

ماده ۵

در ایران و در کشور اسرائیل انتقالات و پرداختها اشخاص ذوی الحقوق بلیق ماده یک این موافقت نامه بدون تأخیر انجام خواهد گرفت مشروط بر اینکه موجود بستنکار و بد حساب دنیا بین از بانصد نزار دلار آمریکا تجاوز نکرده باشد و در این صورت هیچیک از دو بانک ملزم نیستند بملسوف دیگر ارز خارجی تسلیم نمایند.

دوسویتی که موجودی پستانکار یا به عکس حساب ناسرده از بانصد عوار دلار آمریکا شکار
 کند طرف به عکس بنا به درخواست طرف پستانکار و پندلور تأمین پرداخت حواله می شود دو کشور طرف
 پستانکار باید نسبت به باز دارن خارجی حساب مزبور پرداخت نماید - بدیهی است تنها وسیله دلار
 آمریکا یا ارز دیگری که مورد موافقت قبلی طرفین قرار گیرد حساب بالا وارنر خواهد شد .

ماده ۶

ترگا در پایان مدت این موافقت نامه موجودی حساب موضوع ماده یک پستانکار یا به عکس
 باشد طرف به عکس دو طرف مدت شش ماه معادل مبلغ بدین حساب را از راه صدور کالا به کشور پستانکار
 وارنر خواهد نمود .

دوسویتی که پس از پایان مدت شش ماه مهلت مزبور حساب بالا موجودی نشان به عکس بدین
 حساب وسیله پرداخت دلار طرف پستانکار وارنر خواهد گردید .

ماده ۷

بانک ملی ایران و بانک لومی لو - اسرائیل ترتیبات فنی بانکی مربوط به اجرای مفاد این موافقت نامه
 را خواهد داد .

ماده ۸

این موافقت نامه پس از امضاء بدفع اجرا گداده خواهد شد و برای مدت یکسال بقوت خود باقی
 خواهد بود و ترگا یکی از طرفین موافقت نامه دو ماه پیشتر از پایان مدت قرارداد تا قبل خود را مبنی بر عدم
 ادامه مفاد آن طرف دیگر اعلام ننماید خود پنجم تمدید خواهد گردید .

تهران - ۲۱ خرداد ۱۳۳۲

بانک لومی لو - اسرائیل

بانک ملی ایران





نهیست پروداختهای جاری

- نهیست پروداختهای بیسی یینی شه ه هر جا دیک و دو موافقت نامه بین بانکلی ایران و بانک لومی لو - اسرائیل از ایقرار است :
- ۱- پها یز کالانا .
 - ۲- نوبنه نای مزول با مل و قل کالا و ساغر میان دو کشور از راه دریا و خشکی .
 - ۳- نوبنه نای پدی روی - انبار کردن - توشییر از گمرک - انتقال کالا از کشتی به کشتی دیگر - نوبنه نای کیهای کشتی رانی و نوبنه توقف در بندر یا سئنا پهای سوخت .
 - ۴- پروداخت حقی بیمه و خسارت بیمه و بیمه اینکائی مربوط به ۷۴ .
 - ۵- گایزد بازرگانی - دلالی - نوبنه نمایندگی - نوبنه و گایزد بانکلی .
 - ۶- نوبنه تبدیل کال - سوار کردن و تحریکات .
 - ۷- دستنود - حرق الزحمه و سایر پروداختهای از این قیل .
 - ۸- نوبنه ما و منافع حاصل از ترانزیت .
 - ۹- نوبنه نمایندگی و شوراگ دو بانسیون .
 - ۱۰- نوبنه سافرت - اتامت - تحصیل و بیمارستان .
 - ۱۱- نوبنه و درآمد مربوط به خدمات دولتی (مالیاتها و جرائم)
 - ۱۲- پروداخت اقسالی - درجه اشتراک - اشتراک و علامت بازرگانی - پروانه و علامت صنعتی - حق التألیف و امثال آن .
 - ۱۳- حقوق مربوط به بهره برداری سینمایی فیلم .
 - ۱۴- سایر پروداختها ایکه از طرف مقامات صلاحیت دار دو کشور اجازه داده شه ه باشد .

پته ۱

مادرات ایران به کشور اسرائیل

- ۱) یشیا
- ۲) خانه های روغن دار
- ۳) پنج (۱)
- ۴) سو (۱)
- ۵) یشم
- ۶- چوب
- ۷) گندم (۱)
- ۸) مواد نفتی و مشتقات آن .
- ۹) پوست
- ۱۰) انواع کتیرا و مشتها

مادرات کشور اسرائیل به ایران

- ۱) لاستیک اتومبیل
- ۲) باروکر (کامیون)
- ۳) کود نای شیمیائی
- ۴) نسفاتیها
- ۵) مواد داروئی (بنسیلین و غیره)
- ۶) مواد شیمیائی
- ۷) صنایع نسئی

مادرات کشور اسرائیل به ایران

- ۱) اتومبیل
- ۲) سیمان
- ۳) مواد شام بلاستیک بصورت گود و غیره
(غیر از اشیاء ساخته شده از بلاستیک)
- ۴) تلمبه و لوله های آبیاری و کشاورزی
- ۵) ماشینها و ادوات برقی
- ۶) راجع پمپاوری و اجاق نفتی و رادیاتور
- ۷) ساعت
- ۸) مداد و قلم خود نويسر (استیلو)
- ۹) تیغ یدکی ماشین خود راشر
- ۱۰) دندان مصنوعی
- ۱۱) پارچه های پشمی

مادرات کشور اسرائیل به ایران

مادرات ایران به کشور اسرائیل

- ۱) خشکبار
- ۲) سیب زمینی
- ۳) نمک
- ۴) زبره
- ۵) نباتات و گیاههای طبیعی
- ۶) آرد ماعی
- ۷) انواع سنگ معدن
- ۸) نخال سنگ

مادرات کشور اسرائیل به ایران

- ۱) روغن زیتون
- ۲) اسانرو عطلو برای عطلو سازی
- ۳) لوازم آرایش
- ۴) تخته سه لایه و روغن
- ۵) اشیاء نایلونی

مادرات ایران به کشور اسرائیل

- ۱) جای
- ۲) گوشت
- ۳) ماعی
- ۴) پنیر و تخم مرغ
- ۵) تخم آفتاب گردان
- ۶) بیاز
- ۷) گیاههای رنگی
- ۸) ملایر کارخانههای قند



در آستانه سقوط فلسطین به دست صهیونیست‌ها و در آن روزگاری که علمای مجاهد اسلام، مانند آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی ملت ایران را به نام نویسی برای بسیج مردم به فلسطین و دفاع از آن سرزمین فرامی‌خواندند، گروه‌ها و احزاب سیاسی نه تنها از این حرکت حمایت نکردند و حتی اعلامیه‌ای در نکوهش از اشغال فلسطین ندادند، بلکه با ترفندها و توطئه‌هایی کوشیدند که ملت ایران را از مسئولیت دفاع از سرزمین‌های اسلامی باز دارند و با شعار شیطانی - ارتجاعی «چراغی که در خانه رواست، در مسجد حرام است»!! در مقابل احکام اسلامی و اصول انسانی ایستادند و موازین اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشتند!

نکته در خور توجه اینکه وزیر اقتصاد دولت مصدق در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۳ طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه اعلام کرده است: «... اخیراً از طرف کشور اسرائیل اظهار تمایل شده که قرارداد بازرگانی منعقد شود و در برابر خرید خشکبار، پنبه و دانه‌های روغنی، جو، برنج و حبوبات کشور مزبور...» وزیر اقتصاد در ادامه اظهار داشته که «آقایان بازرگانان یا صاحب‌بنظران در امور اقتصادی نیز می‌توانند راجع به این موضوع و شایسته بودن این گونه مبادلات اظهار نظر نمایند»!!

این نامه وزیر اقتصاد دولت مصدق نیز گویای این واقعیت است که به رغم بستن کنسولگری ایران در فلسطین اشغالی،

مذاکره و گفت‌وگو میان دولت ایران و رژیم صهیونیستی برقرار بوده و طرفین با دست باز با یکدیگر داد و ستد می‌کردند.





وزارت اقتصادی

اداره

تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۴
شماره ۲۷۷۴
بیوست

جناب آقای وزیر امور خارجه وسخننگوی دولت

خواهشمند است خبر زیر را برای د ج د رجراید و راد بیوتوزیح فرمایند :

اخیراً از طرف کشور اسرائیل اظهار تمایل شده که قرارداد بازرگانی منعقد شود
و در برابر خرید خشکیا بنبه و دانه های ریشی ج جو برنج و حبوبات کشور بنور -
پیشنهاد مینماید که چه از کشورهای امریکایا روبا کالای مورد احتیاج ایران رانا مین
کنند و مقداری هم ارز ببرد ازند این پیشنهاد در محافل اقتصادی دولت تحت مطالعه
است .

اتایان بازرگانان یا صاحب نظران در امور اقتصاد ی نیز میتوانند راجع باین موضوع
و شایسته بودن اینگونه مبادلات اظهار نظر نمایند /۰

وزیر اقتصاد ملی

۱۳۳۱/۱۱/۴

۲
۱
۱





فلسطین از نظر استراتژیک برای استکبار جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا:

الف. در یکی از مهمترین نقطه تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد.

ب. در قلب ذخایر انرژی پر بار غرب آسیا واقع شده است.

پ. در مجاورت یکی از بزرگترین آبراه‌های بین‌المللی (کانال سوئز) قرار گرفته است.

ت. مرکز پیدایش سه ادیان بزرگ الهی می‌باشد و شهر بیت‌المقدس، برای مسلمانان، مسیحیان و یهودیان مقدس است

استراتژی رژیم صهیونیستی در برابر دولت‌هایی که بنا داشتند با آن رژیم به شکل پنهانی سر و سری داشته باشند این بود که معاملات پشت پرده خود با آن دولت‌ها را یکباره افشا می‌کرد و با این شگرد در واقع دو نقشه را به اجرا درمی‌آورد یا با یک کرشمه دو کار می‌کرد:

۱. از زشتی و قباحت داد و ستد دولت‌های اسلامی با رژیم بی‌آبروی صهیونیستی می‌کاست و آن را گام به گام عادی می‌ساخت.

۲. میان دولت‌های طرف حساب خود با دیگر دولت‌های کشورهای اسلامی و عربی اختلاف و کشمکش پدید می‌آورد و بدین گونه از خطر اتحاد کشورهای اسلامی خود را مصون می‌ساخت.

در پی قرارداد سری بازرگانی میان دولت مصدق و رژیم صهیونیستی، یکی از روزنامه‌های آن رژیم از روی این معامله پرده برداشت و قرارداد پنهانی مصدقی‌ها با صهیونیست‌ها را برملا کرد.

در پی اعلام این خبر موجی از نگرانی، آزرده‌گی و شگفتی در میان ملت‌های عرب و مسلمان پدید آمد. نخست یکی از روزنامه‌های فرانسه این معامله را منتشر کرد. کاردار آن روز ایران در پاریس در گزارشی به وزارت خارجه اعلام داشت:

روزنامه *Agence Economique et Financiere* چاپ پاریس به تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۵۳ خبری از تل‌آویو منتشر نموده مبنی بر اینکه بین اسرائیل و ایران یک قرارداد پرداخت به مبلغ پانصد هزار دلار برای مبادله جنس (من جمله نفت) منعقد گردیده است. خواهشمند است از صحت یا سقم این خبر این سفارت را مستحضر فرمایند...

شماره ۵۵۸ ... تاریخ ۲۲ / ۲ / ۱۳۰۲



مخاتیر برای شاهنشاهی ایران
پارس

وزارت امور خارجه

روزنامه ' Agence Economique et Financière

چاپ پاریس بتاريخ ۱۲ ژوئن ۱۹۵۲ خبری از تل آویو
منتشر نموده. مبنی بر اینکه بین اسرائیل و ایسراو بلك م
تواردان پرداخت مبلغ پانصد هزار دلار برای مبادله
جنس (منجمله نفت) منعقد گردیده است.

خواهشمند است از صحت یا سقم این خبر اینسفارت
را مستحضر فرمایند.

کاردار محمد حسن ...

سقف وزارت امور خارجه

۱۸ ۱۸۵

۴۲/۴/۱

۱۰۵۵
۴۲/۴/۱
۲۲/۴/۱۲

۱۰۵۵
۴۲/۴/۱۲



به دنبال آن، یکی از روزنامه‌های فلسطینی نوشت:

... در روزنامه‌های یهودی آمده است که در هفته گذشته یک قرارداد بازرگانی برای مبادله کالا میان دولتین ایران و اسرائیل به امضاء رسید. دولت اسرائیل طبق این موافقتنامه می‌تواند در حدود مبلغ پانصد هزار دلار کالا از جمله مواد خواربار و نفت از ایران خریداری و دولت ایران هم مصنوعات و ماشین‌آلات و منسوجات و اتومبیل و سیمان و... از اسرائیل خریداری می‌کند. روزنامه‌های یهودی اضافه کرده‌اند که دولت اسرائیل نظر به اختلاف موجود میان ایران و انگلیس بر سر نفت در حال حاضر مایل نیست از ایران نفت خریداری کند.

گمرکات اردن لیست کالاهای ساخت «اسرائیل» را که به ایران وارد می‌شود چنین اعلام کرد:

 سفارت شاهنشاهی ایران خان	
صورت کالاهای ساخت اسرائیل که در حال حاضر به ایران وارد میشود.	
۱ - قفل	۲۵ - لامپ های برقی
۲ - شکلات و شیرینی	۲۶ - بخاریهای برقی - ابزار درست کردن کک
۳ - کفش های مخصوص رزشر و لاستیکی	۲۷ - آلومینیم و اشیا ساخته شده از آن .
۴ - بند شلوار و جوراب	۲۸ - اجاقهای برقی
۵ - پارچه های توری	۲۹ - ساعت های مچی
۶ - پیراهن کفی	۳۰ - دارو
۷ - پیراهن	۳۱ - بطریهای آب نیکی
۸ - پرده پنجره توری	۳۲ - بطریهای برقی
۹ - قاشق و چنگال	۳۳ - لوازم برقی
۱۰ - ظروف چینی	۳۴ - رادیو
۱۱ - پنجهال برقی (فیلگو)	۳۵ - شیشه
۱۲ - میخ های مختلف کفانی	۳۶ - لوازم شیشهای لابراتورها
۱۳ - واگن کفش	۳۷ - چرخ لاستیکی دوچرخه بادی
۱۴ - قلم سداد	۳۸ - لوله های لاستیکی آب
۱۵ - قلم خود نویس	۳۹ - پلاک درب خانه
۱۶ - خیر دندان	۴۰ - پارچه های پشمی - ابرشی پشمی
۱۷ - مسواک دندان	۴۱ - پارچه های
۱۸ - ماهوت	۴۲ - نعل های کاوچرون
۱۹ - ابزار برقی	۴۳ - اتومبیل های "کایز"
۲۰ - مواد چرمی برای ساخت صابونهای مختلف	
۲۱ - صابون آرایش	
۲۲ - جوراب های مردانه و چمگانه	
۲۳ - آب خشت کن	
۲۴ - مارکین (رخت نباتی)	



امام و جریان فلسطین

امام به محض آنکه نهضت خویش را آغاز کردند، بی‌درنگ با به صدا در آوردن خطر صهیونیسم با این ترفند دشمن به مقابله برخاستند و با همه نیرو کوشیدند آنچه را که مسلمان‌ها در طول چهل سال اشغال فلسطین، گم کرده بودند، به آنان بازگردانند و جنبه اسلامی فاجعه فلسطین را به مسلمان‌های جهان یادآور شوند.

امام در نخستین روزهای قیام خود علیه تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی خطر صهیونیسم را این‌گونه به توده‌های مسلمان گوشزد کردند:

اینجانب حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم: قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است، استقلال مملکت و تمام اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیسم است... و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین... ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌نمایند...^۱

امام از آن تاریخ (آذرماه ۱۳۴۱) تا روزی که به ملکوت اعلی پیوستند (خرداد ۱۳۶۸)، هیچ‌گاه از بازگو کردن خطر صهیونیسم و اشغالگران فلسطین غفلت نورزیدند و در این راه در بیشتر پیام‌ها و سخنرانی‌های خود برای آگاه کردن مسلمان‌ها به این حقیقت که مسئله فلسطین تنها به عرب‌ها و مردم فلسطین مربوط نمی‌شود، بلکه به همه مسلمان‌ها بستگی دارد، کوشیدند.

فرازهایی از سخنان امام پیرامون مسئله فلسطین اشغالی و رژیم صهیونیستی در پی می‌آید: اسرائیل با تبانی و همفکری دولت‌های استعماری غرب و شرق زاییده شد و برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد.^۲

... سران کشورهای اسلامی توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی‌باشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد.^۳

ملت اسلام به حکم وظیفه انسانی و طبق موازین عقلی و اسلامی موظف‌اند

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۲.





که در راه ریشه کن کردن این گماشته استعمار از هیچ فداکاری دریغ نورزند...^۱

چنان که می بینید امام در این پیام‌ها کوشش دارند که خطر صهیونیسم برای اسلام و مسلمان‌ها را بازگو کنند و به توده‌های مسلمان بیاوراند که جریان فلسطین یک جریان اسلامی است و خطر صهیونیسم نیز برای همه کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان است نه تنها برای ملت عرب.

و سرانجام امام با اعلام روز جهانی قدس:

۱. به توطئه چهل ساله استکبار جهانی جهت جدا کردن جریان فلسطین از اسلام پایان بخشیدند و سرنوشت فلسطین را با سرنوشت مسلمانان جهان پیوند زدند.

۲. نقشه دروغین جریان‌های انحرافی که زیر عنوان «سوسیالیسم»، «ناسیونالیسم» و... که ادعای آزادی فلسطین را داشتند خنثی و بر ملا کردند.

۳. راه و شیوه آزادی فلسطین را که راه «الله اکبر» است به فلسطینی‌ها و عموم مسلمانان جهان نشان دادند. امام در پیام تاریخی خود به مناسبت روز قدس آورده‌اند:

باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازی‌های سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه‌داشتن ابرقدرت‌ها به مشام می‌رسد کنار گذاشت...^۲

... مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند و از آن نقطه حساس در مقابل مستکبرین و جهانخواران بایستند... (پیام امام به مناسبت روز جهانی قدس، ۶۰/۵/۱۰)^۳

۴. مردم محروم و مستضعف فلسطین را پس از چهل سال سکوت، ذلت‌پذیری، دربه‌دوری و چشم دوختن به حرکت قیام‌های دروغین و فریبکار، به صحنه مبارزه و رویارویی با صهیونیسم اشغالگر کشانیدند و معادلات سران امریکا و اسرائیل و خواب خوش آنها را بر هم زدند و موجی پدید آوردند که تا برچیدن بساط صهیونیست‌ها در سرزمین مقدس فلسطین پایدار و استوار خواهد بود. امام در این باره چه زیبا، رسا و بالنده آورده‌اند:

... حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه

۱. همان.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۶۲.



صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟
 آیا از درخت سیاست‌بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟...
 شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند...^۱ و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سرداد و مرگ بر امریکا و شوروی و اسرائیل گفت...^۲
 آری فلسطین راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات و از وادی صهیون تا جولانگاه استر آشفته گشت و دوباره کوکب دریه فلسطین از شجره مبارک که لاشرقیه و لاغربیه^۳ ما برافروخت. (پیام امام به مناسبت برائت از مشرکین، تیرماه ۶۷)^۴

وظیفه امروز ملت ایران در کنار قیام اسلامی مردم فلسطین

ملت قهرمان پرور ایران امروز در راه آزادی فلسطین رسالت سنگینی بر دوش دارد:

۱. شرکت در جنگ‌های بخش فلسطین و همراهی و همگامی با دلیر مردانی که در راه آزادی فلسطین می‌جنگند.
۲. هم‌صدایی با ملت مظلوم و به‌پا خاسته فلسطین.
۳. انعکاس و انتشار بیانیه‌ها، اخبار و نظریات مردم به‌پا خاسته فلسطین از رسانه‌های گروهی ایران.
۴. درخواست بنیاد شهید انقلاب اسلامی ایران از مردم به‌پا خاسته سرزمین‌های اشغالی جهت ارسال اسامی کامل و بیوگرافی شهدای فلسطین و نیز جانبازان و اسرا و مفقودین و بخش پوستر، عکس و نام شهدای آنان دست‌کم در روز جهانی قدس و حمل عکس و پوستر

۱. همان، ج ۲۱، ص ۸۴

۲. همان.

۳. سوره نور، آیه ۳۵.

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۵.



شهدای فلسطین در راهپیمایی روز قدس.

۵. درخواست از مسئولان نظام جمهوری اسلامی برای اختصاص پایگاه ویژه‌ای به منظور معرفی داوطلبان مبارزه با رژیم صهیونیستی از سراسر جهان و نیز دادن آموزش نظامی به جوانان مسلمان کشورهای مختلف اسلامی که آمادگی پیکار در راه آزادی فلسطین را دارند.

۶. نامگذاری خیابان‌ها و میداین به ویژه فرودگاه‌ها و مراکز مورد توجه جهانی به نام فلسطین و شهدای فلسطینی.